

گفتاری در

عقلانیت قصاص

○ رسول مزروعی*

چکیده

این مقاله به دنبال دفاع عقلی و عقلایی از «حق قصاص» است. بدین منظور نویسنده ابتدا به پیشینه تاریخی «مقابله به مثل» در ادیان و آیین های دیگر اشاره کرده و سپس نشان داده که «حق قصاص» با «حکم اعدام در قتل» از تفاوت های اساسی و ماهوی بسیاری برخوردار است و کسانی که گمان کرده اند اعدام و قصاص یکی بوده و با هم تفاوتی ندارند بر اساس همین گمان غلط به شبهات موهون در این حق بزرگ (حق قصاص) که حافظ حیات مادی و معنوی انسان است گرفتار آمده اند.

ادعاهای و حملات علیه «حق قصاص» و پاسخ های آن از جمله مطالبی است که در این مقال مطرح شده است. در ادامه این بحث، حکمت ها و زیبایی های این حق حیات بخش به تصویر کشیده شده و ویژگی های آن که آمیزه ای از عدالت و رحمت است از

* سطح چهار حوزه علمیه قم.

جمله صیانت از کرامت و حقوق معنوی انسان و جامعه، عدالت محوری، عفو و رحمت، بازدارندگی حداکثری از جنایت و حفظ حیات مادی فرد و جامعه، بیان شده است.

در این مقال در دو بخش مجزا به «مقایسه اعدام با قصاص» و «مقایسه زندان با قصاص» پرداخته شده و آسیب‌های شدید و ناعادلانه «زندان» و «اعدام» در حقوق عرفی تبیین شده است و در ادامه، مباحث زندان‌های طولانی مدت و ابد که مورد اعمال شدید و توصیه‌های اکید دنیای غرب است به چالش کشیده شده و آسیب‌های ظالمانه و به شدت غیر انسانی در آن، نظیر غیر شخصی بودن این مجازات، تحمیل محرومیت‌های بی‌رحمانه و تحقیر کننده بر خانواده زندانی، تأثیرات بسیار منفی روحی و اخلاقی و مادی این مجازات پرمفسده و تباه کننده بر اطرافیان زندانی، خطرات زندان برای جامعه انسانی، تحقیر شدید و شکنجه روحی و حتی گاه جسمی زندانی در آن، گسترده و سازمانی شدن جنایات، عدم توجه عادلانه به حق بزه‌دیده و خانواده او در مجازات زندان، مورد ملاحظه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حق قصاص، مقابله به مثل، اعدام، زندان، حقوق عرفی، عفو، حیات.

مقدمه

قصاص از جمله قوانینی است که با اعدام و مجازات‌های مشابه، تفاوت‌های بسیار زیادی دارد، فهم این تفاوت‌ها برای صاحبان اندیشه و علم با مقداری دقت نظر، سخت نخواهد بود. لکن در کمال تأسف باید گفت تفاوت قصاص و اعدام، نه تنها از سوی جوامع غیر اسلامی، بلکه از سوی برخی از مسلمانان نیز به خوبی فهمیده نشده و آنان را با شبهاتی روبرو کرده است.

هر چند برخی شبهات مطرح در مورد حق قصاص با شبهات مطرح در باره مجازات اعدام، نزدیک است (و البته در جای خود ثابت است که حتی حکم اعدام

محضی که ناشی از حدود الهی است با اعدام محضی که در سایر نظام های حقوقی دنیا وجود دارد بسیار متفاوت است؛ اما در اینجا به مجازات اعدام محض، پرداخته نمی شود و تمرکز بر تبیین عقلایی از حق قصاص است. در این گفتار، ابتدا به پیشینه تاریخی «مقابله به مثل»، در برخی ادیان و آیین های دیگر پرداخته می شود و سپس درباره ویژگی های خاص «حق قصاص»، توضیح خواهیم داد. در ادامه، برخی شبهات و حمله ها علیه این حق را بررسی کرده و در پایان، «حق قصاص» را با جایگزین های مطرح در حقوق های عرفی (یعنی مجازات های اعدام و زندان های طولانی مدت) مقایسه خواهیم کرد.

پیشینه قصاص

مقابله به مثل، پیشینه ای بس طولانی در تاریخ تمدن بشر و در میان اقوام و ملل گوناگون دارد. البته آنچه در اسلام عزیز با عنوان قصاص، مطرح است، تفاوت های قابل توجهی با مقابله به مثل در طول تاریخ دارد. در اسلام، قصاص همراهی ناگسستنی با حق عفو (اعم از عفو مجانی یا معوض) دارد و بر بخشش توصیه اکید شده است.

پیشینه مقابله به مثل و اصل قانون قصاص را می توان در بزرگ ترین تمدن های باستان یافت. در قانون الواح دوازده گانه روم که بنا بر قولی، نخستین قانون مدون بشری است، اصل حق قصاص برای قتل و برخی از آسیب های کم تر از قتل، وجود دارد.^۱ همچنین اصل قصاص در قوانین میزوپوتامیه در تمدن بابل که مشتمل بر قانون سه پادشاه آن سرزمین، یعنی اورنامو، بالالاما و حمورابی است، دیده می شود. در سنگ نوشته قانون حمورابی (۱۶۸۶ - ۱۷۲۸ ق. م) تصریح شده است که اگر سابقه اصرار در قتل وجود داشته باشد، کیفر قاتل قصاص است و اگر چنان

۱. عوض احمد ادريس، الدية بين العقوبة والتعويض، ص ۶۷.

سابقه ای در میان نباشد، کیفر زندان برای مدتی طولانی اجرا می شود.^۲

در ادیان گذشته، از جمله آیین یهود نیز اصل قانون قصاص، بدون حق عفو^۳

۲. همان، ص ۴۶؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. مفسرین در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره، آیه ۱۷۸) به این مطلب اشاره کرده اند. طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۷: «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ». این قانون و حکم (دستور عفو و انتقال از قصاص به دیه)، تخفیف و تفضلی است از جانب پروردگارتان که نه قاتل قصاص شود و نه حق مقتول پایمال گردد و قانون عادلانه است نه مثل قانون یهود که راه منحصر به قصاص و چاره ای جز قصاص نباشد و نه اینکه مانند نصاری قانون قصاص نباشد؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۱۶: «ذَلِكَ التَّخْفِيفُ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ لِّمَا فِيهِ مِنَ التَّسْهِيلِ وَالتَّنْفِيسِ فَانْهَ لَوْلَمْ يَكُن إِلَّا الْقَتْلُ وَالْعَفْوُ لَقُلَّ مَا طَابَتْ نَفْسٌ وَلِيَ الْمَقْتُولِ بِالْعَفْوِ بِلَا عَوْضٍ يَأْخُذُهُ فَكَانَ قُلٌّ مَا يَسْلَمُ الْقَاتِلُ مِنَ الْقَتْلِ، فِي الْعَوَالِي: رَوَى أَنَّ الْقِصَاصَ كَانَ فِي شَرِيعِ مُوسَى حَتْمًا وَالدِّيَةَ كَانَ حَتْمًا فِي شَرِيعِ عِيسَى فَجَاءَتِ الْحَنْفِيَّةُ السَّمْحَةَ بِتَسْوِيعِ الْأَمْرَيْنِ مَعًا قِيلَ كَتَبَ عَلَى الْيَهُودِ الْقِصَاصَ وَحْدَهُ وَ عَلَى النَّصَارَى الْعَفْوَ مُطْلَقًا، وَ خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَيْنَهُمَا وَ بَيْنَ الدِّيَةِ تَسْوِيعًا عَلَيْهِمْ؛ ثَعْلَبِي، الْكَشْفُ وَ الْبَيَانُ عَنِ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، ج ۱، ص ۵۵: «تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ وَ ذَلِكَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى أَهْلِ التَّوْرَةِ فِي النَّفْسِ وَ الْجَرْحِ أَنْ يَقْبِلُوا وَ لَا يَأْخُذُوا الدِّيَةَ وَ لَا يَعْفُوا وَ عَلَى أَهْلِ الْإِنْجِيلِ أَنْ يَعْفُوا وَ لَا يَقْبِلُوا وَ لَا يَأْخُذُوا الدِّيَةَ. فَخَيَّرَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الْأُمَّةَ بَيْنَ الْقِصَاصِ وَ الدِّيَةِ وَ الْعَفْوِ. كَمَا رَوَى سَعِيدُ بْنُ أَبِي سَعِيدٍ الْمُقْبِرِيُّ عَنِ أَبِي شَرِيحٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ قَالَ: «ثُمَّ أَنْتُمْ يَا خِرَاعَةَ قَدْ قَتَلْتُمْ هَذَا الْقَتِيلَ مِنْ هَذِيلٍ، وَ أَنَا وَ اللَّهُ عَاقِلُهُ فَمَنْ قَتَلَ قَتِيلًا بَعْدَهُ فَاهْلُهُ بَيْنَ خَيْرَتَيْنِ: إِنْ أَحْبَبُوا قَتَلُوا وَ إِنْ أَحْبَبُوا أَخَذُوا الْعَقْلَ؛ رَازِي، مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ، ج ۵، ص ۵۶-۵۷: ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ أَي إِثْبَاتُ الْخِيَارِ لَكُمْ فِي اخْتِيارِ الدِّيَةِ، وَ فِي الْقِصَاصِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، لِأَنَّ الْحَكْمَ فِي الْيَهُودِ حَتْمُ الْقِصَاصِ وَ الْحَكْمَ فِي النَّصَارَى حَتْمُ الْعَفْوِ فَخَفَّفَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ شَرَعَ لَهُمُ التَّخْفِيفَ بَيْنَ الْقِصَاصِ وَ الدِّيَةِ، وَ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ فِي حَقِّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ لِأَنَّ وَلِيَّ الدَّمِ قَدْ تَكُونُ الدِّيَةُ آثَرَ عِنْدَهُ مِنَ الْقَوْدِ إِذَا كَانَ مُحْتَاجًا إِلَى الْمَالِ، وَ قَدْ يَكُونُ الْقَوْدُ آثَرَ إِذَا كَانَ رَاغِبًا فِي التَّشْفِي وَ دَفْعِ شَرِّ الْقَاتِلِ عَنِ نَفْسِهِ، فَجَعَلَ الْخَيْرَةَ لَهُ فِيمَا أَحَبَّهُ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ فِي حَقِّهِ؛ زَمَخْشَرِيُّ»

پذیرفته شده است. در تورات درباره قصاص نفس و عضو آمده است:

هر که خون انسان ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود؛ زیرا خدا

انسان را به صورت خود ساخت.^۴

کسی که همسایه خود را عیب رسانیده باشد، چنان که او کرده باشد با او عمل خواهد شد؛ شکستگی، عوض شکستگی؛ چشم، عوض چشم؛ دندان، عوض دندان؛ چنان که به آن شخص عیب رسانیده، همچنان به او رسانیده شود.^۵

چنان که آشکار است، تورات علاوه بر قصاص نفس، قصاص عضو را نیز به صراحت پذیرفته است؛ ولی رویکرد سنت شفاهی آیین یهود (تلمود) هر چند در باور و اعتقاد خود قصاص نفس و عضو را می پذیرد، اما در عمل مخالف اجرای قصاص عضو است و جانی را به بهانه عدم امکان اجرای عادلانه و مماثل قصاص عضو، به غرامت مالی محکوم می کند.^۶ چنین برداشتی گرچه مخالفان جدی هم

> الکشاف، ج ۱، ص ۳۳۳: «ذلک الحکم المذكور من العفو و الدية تخفيف من ربکم و رحمة؛ لان اهل التوراة كتب عليهم القصاص البتة و حرم العفو و اخذ الدية، و على اهل الإنجيل العفو و حرم القصاص و الدية، و خیرت هذه الأمة بين الثلاث: القصاص و الدية و العفو، توسعه عليهم و تيسيراً».

۴. کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۹، آیه ۶؛ و نیز: سفر اعداد، باب ۳۵، آیه ۳۱-۳۲.

۵. کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۲۴، آیه ۱۹-۲۰؛ و نیز: سفر خروج، باب ۲۱، آیه ۲۳-۲۵.

۶. همین رویه ای که متأسفانه در بسیاری از دادگاه های ما نیز در جریان می باشد و تقریباً قصاص عضو را تعطیل کرده است و مجازات زندان با تمام مفاصل آن به عنوان بخشی از مجازات، به جای حق قصاص قرار گرفته است و این نگرانی را ایجاد می کند که ممکن است این رویه ما را مشمول عناوین کفر، ظلم و فسق آمده در آیات ذیل کند. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَ اخْشَوْنَ اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» مانده، آیه ۴۴؛ «وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ <

دارد، اما بیش تر عالمان یهود بر آن توافق دارند.^۷

برخی حکم قصاص را در دین مسیحیت بنا بر آنچه در عهد جدید آمده، منسوخ می دانند. در انجیل متی از حضرت عیسی (ع) نقل شده است که فرمود:

شنیده اید که گفته شده چشم در مقابل چشم، دندان در مقابل دندان، اما من می گویم در مقابل بدی ایستادگی نکنید، بلکه هر کس سیلی به گونه راست تو زد، گونه دیگری را در مقابل او قرار ده و هر کس با تو دشمنی کرد و خواست لباس را از تنت بیرون آورد، لباس را در اختیار او قرار ده.^۸

در فرض پذیرش انتساب این سخن به حضرت عیسی (ع) و تحریفی نبودن آن، این احتمال وجود دارد که عبارت فوق، ناظر به مقام جعل قانون نبوده و توصیه ای اخلاقی باشد؛ چنان که ادعا شده که بیش تر آموزه های آیین مسیحیت، جنبه اخلاقی دارد و این دین فاقد شریعتی نوین است و در شریعت، پیرو دین یهود می باشد.

در عصر نزول آیه شریفه قصاص و قبل از آن، امری شبیه به مقابله به مثل در بین مردم جریان داشت؛ لیکن برای آن، حد و مرز درستی شناخته نمی شد؛ بلکه حد آن به نیرومندی و ضعف طرفین و طبقه آنها بستگی داشت. چه بسا می شد در برابر کشتن یک مرد، ده مرد کشته می شد. گاه در برابر مرثوس یک قبیله، رئیس قبیله قاتل، کشته می شد و چه بسا می شد که یک قبیله، قبیله ای دیگر را به سبب یک قتل به کلی نابود می کرد؛^۹ خانواده مقتول غالباً در مواردی که قاتل از گروه و

> بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفِ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» مائده، آیه ۴۵؛ «وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» مائده، آیه ۴۷.

۷. سلیمانی، عدالت کیفری در آیین یهود، ص ۲۹۱، ۳۱۳ و ۳۳۸.

۸. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۵، آیات ۳۸-۴۱.

۹. موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۵.

قبیله و عشیره آنان نبود، مدعی می شد که خون مقتول ارزشمندتر از خون قاتل است. از این رو تنها به کشته شدن قاتل، راضی نمی شد و خواستار کشته شدن افراد بیش تری از خانواده یا گروه و قبیله قاتل^{۱۰} بود.^{۱۱}

روشن است که چنین رویکردی در عصر جاهلیت اولی، ناشی از کم رنگ شدن قانون حقیقی قصاص و بلکه تغییر ماهوی آن در اثر جهالت و کفر و غلبه تعصبات جاهلی بر عدالت بر خاسته از پابندی کامل به این قانون عقلایی و الهی بوده است؛ زیرا تمام ماهیت قصاص و مقابله به مثل، چیزی جز جواز مجازات مجرم، فقط به مقدار جنایت او و نه بیش تر نیست.

قرآن کریم سنت ناپسند جاهلی را رد کرد و در قدم اول، اولیای دم را از زیاده روی در مقام مجازات قاتل، بازداشت و فرمود:

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لوكِبِهِ
سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا؛^{۱۲}

و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی سلطنت داده ایم، پس نباید در قتل زیاده روی کند، زیرا او [از طرف شرع و قانون] یاری شده است.

گاهی نیز در جوامع ابتدائی، فهم غیرعاقلانه از قصاص و بدفهمی از مقابله به مثل، موجب پدید آمدن نتایج غیر عادلانه ای از آن می گردید. به عبارت دیگر، گاه فهم احمقانه از مقابله به مثل، موجب می شد که در کنار مجازات مجرمان،

۱۰. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۸۱.

۱۱. این دیدگاه ظالمانه، غیر انسانی و وحشیانه، در دنیای امروز و در جاهلیت مدرن پس از جاهلیت اولی، از سوی دنیای غرب، در اشکال و ادبیات جدید و در گستره وسیع تر در مقیاس منطقه ای و جهانی، دوباره طراحی و سازماندهی شده است که به شکل آشکار و نهان، گاه به صورت مابشری و گاه به صورت حمایتی اجرا می شود.

۱۲. اسراء، آیه ۳۳.

بی گناهان نیز آسیب ببینند؛ مانند اینکه در ماده ۲۲۹ قانون حمورابی آمده است:

هرگاه معماری برای شخصی خانه‌ای بنا نماید و در این بنا رعایت استحکام نکند و در نتیجه خانه خراب شود و صاحب خانه کشته شود، معمار در برابر آن کشته می‌شود و اگر در اثر خرابی خانه پسر صاحب خانه کشته شود، در برابر آن، پسر معمار کشته می‌شود.^{۱۳}

در عصر کنونی گاه بدفهمی از حق قصاص و تأمل نکردن و بی‌دقتی و گاه کمی بضاعت علمی در حقیقت و احکام آن و گاه خلط میان اعدام و حق قصاص، موجب شده تا شبهاتی در مورد این حق عقلایی و حیات بخش انسانی و الهی پدید آید که به زودی به بررسی و نقد آن خواهیم پرداخت؛ لیکن ابتدا باید به ویژگی‌های حق قصاص و ممیزات آن در مقابل اعدام و زندان بپردازیم.

برتری حق قصاص بر اعدام و زندان

۱. ویژگی‌های حق قصاص

باید تلاش شود تا با انسان‌سازی و ارتقاء فرهنگی، احتمال وقوع جرم و قتل در جامعه کاهش یابد. اسلام عزیز، نفس و عرض انسان‌های دیگر را نفس و عرض خود افراد شمرده است؛^{۱۴} بلکه تعبیر اعجاب برانگیز قرآن کریم این است که اگر کسی دیگری را به قتل رسانید، همچون کسی است که همه مردم را به قتل رسانیده

۱۳. حسنی، بررسی کیفر و احکام قصاص و تطور آن در اعصار و نزد ملل مختلف، مجله حقوق مردم، شماره ۲۹ و ۳۰، ص ۶۷.

۱۴. بقره، آیه ۸۴: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ»؛

بقره، آیه ۸۵: «ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ»؛ نساء، آیه

۲۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَ

لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ نور، آیه ۶۱: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ

تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً»؛ حجرات، آیه ۱۱: «لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ».

است. ۱۵ لکن از سوی دیگر، قانون نیز باید به گونه ای باشد که از بازدارندگی قابل قبولی برخوردار باشد. از سوی سوم چنانچه فاجعه قتل اتفاق افتاد و انسانی کشته شد، باید به نحوی عمل شود که تا حد امکان، جلوی تکرار و آسیب های پس از آن گرفته و حتی مقدار آسیب ایجاد شده به مقدار ممکن ترمیم شود.

جنایت، ممکن است به سه صورت عمد، شبه عمد و غیر عمد واقع شود. تنها در صورت اول، آن هم با وجود شرایطی در آن، قصاص ممکن است و اگر اثبات نشود که جنایت عمدی است، راهی برای قصاص نیست. اولین نکته در باره قصاص، این است که با اتفاقی بودن قتل و حتی شبهه آن، قصاص ثابت نمی شود؛ بلکه موضوع حق قصاص، جنایت ظالمانه و آگاهانه است که با توجه و تعمد جانی، تحقق می یابد. ۱۶

حق قصاص نه تنها با اعدام یکسان نیست، بلکه به نظر می رسد آن قدر با اعدام تفاوت دارد که می توان به روشنی و با اطمینان گفت: اسلام، مخالف اعدام قاتل، به عنوان یک حکم قطعی برای اوست.

در جرم های سنگینی که برای آن، مجازات حدی اعدام، وضع شده (و فعلاً از بحث ما خارج است) نیز حکم اسلام به نحوی است که با اعدام محض در سایر نظام های حقوقی دنیا، بسیار متفاوت می باشد. در باب حدود، مجموعه اموری مانند: شروط بسیار برای اعدام حدی و تضییق بسیار شدید در موضوع این حکم،

۱۵. مائده، آیه ۳۲: «مَنْ أُجْلِلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...».

۱۶. متأسفانه در برخی فیلم ها و سریال ها، قتل هایی که عمد نیست و یا به هیچ وجه شرایط قصاص در آنها برقرار نیست، به دلیل عدم آشنایی دست اندرکاران آن با فقه اسلامی و بضاعت اندک علمی آنان و فقدان کارشناسان این امر یا قصور یا تقصیر آنان، به عنوان موضوع قصاص، معرفی شده است که منجر به نادرست معرفی کردن حقوق اسلامی و بد فهمی از «حق قصاص» در بین عوام و خواص جامعه می شود.

اختصاص آن به موارد بسیار محدود و خاص؛^{۱۷} همچنین سخت گیری در اثبات جرم؛^{۱۸} جایز نبودن تجسس در بسیاری از موارد آن حتی برای دادگاه، نظیر جرایم عفاف و توافقی؛^{۱۹} سقوط مجازات اعدام در فرض آنکه مرتکب، جاهل به حرمت

۱۷. برای نمونه ر. ک: مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰ و مواد ۲۶۸ و ۲۸۶ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

۱۸. برای نمونه ر. ک: بند الف ماده ۱۷۲ و ماده ۲۱۸ و مواد ۱۹۸ تا ۲۰۰ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۴۰ - ۱۳۰؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۳۵۶ - ۳۵۱.

۱۹. برای نمونه ر. ک: حجرات، آیه ۱۲؛ نور، آیه ۱۹؛ طوسی، الامالی، ص ۱۲۹، ح ۲۰۵؛ گلپایگانی، الدر المنضود، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۱۴؛ همچنین ر. ک: ماده ۲۴۱ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

سؤال: اگر زن های مذکور از طرف مسئولین مربوطه به عنوان نهی از منکر دستگیر و در مورد اشخاصی که با آنها مرتکب زنا شده اند اعتراف نمایند آیا تجسس و تعقیب این اشخاص که در اثر وساوس شیطانی در خفا مرتکب زنا شده اند جایز است یا خیر؟ بلکه چون موجب افشاء سر و باعث رسوایی آنها می شود مشمول «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه» بوده و تعقیب و تفحص جایز نیست؟

آیت الله اراکی (قدس سره): اعتراف مزنی بها علیه زانی فاقد اعتبار شرعی است و استنطاق متهم به ارتکاب جرمه زنا برای اثبات و احراز جرم زنا صورت شرعی ندارد. (گنجینه استفتائات قضایی - قم، سؤال ۱۸۷۸).

سؤال: اگر شهودی که به زنا شهادت می دهند، به صورت غیر اتفاقی زنا را مشاهده کنند، مثلاً به صورت تفحصی و جستجوگرانه و با کمین نشستن (به این صورت که مثلاً از قبل، از محل قرار زانی و زانیه اطلاع یافته و آنها را زیر نظر گرفته باشند) آیا مرتکب حرام شده اند؟ در صورتی که مرتکب حرام شده باشند، آیا مشاهده ای که اساس آن حرمت تکلیفی دارد می تواند به عنوان پینه شرعی معتبر باشد یا آنکه این مقدار حرمت، موجب فسق شهود می گردد؟ پس شهادت آنها از باب فسق شهود از حجیت ساقط است؟ و نیز در همین خصوص، آیا بین جایی که با اعتقاد به حلیت و به عنوان مثلاً مبارزه با منکرات و ردع آن از جامعه اقدام به چنین کاری کرده باشد و غیر آن تفاوت هست؟

آیت الله بهجت (قدس سره): اگر با تفحص محرم باشد و آن هم ثابت شود سبب سقوط از

آن عمل بوده باشد و یا امر بر وی مشتبه شده باشد^{۲۰}؛ سقوط مجازات اعدام با توبه مرتکب^{۲۱}؛ سقوط اعدام با انکار جرم از سوی مرتکب، حتی پس از رأی قطعی

> عدالت شهود می شود و شهادتشان مقبول نیست. ۱۳۸۱/۰۵/۲۰؛ آیت الله سیستانی: تجسس حرام است ولی اگر این کار با عدالت آنها منافات نداشته باشد شهادت آنها قبول می شود. ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۲۳ هـ. ق؛ آیت الله صافی گلپایگانی: شاهد باید عادل باشد و تفحص و تجسس از کارهای مخفی مردم حرام است و مبارزه با منکرات مجوز ارتکاب خلاف شرع نیست البته در مواردی که می دانند کسانی می خواهند مرتکب زنا بشوند باید از وقوع خلاف شرع جلوگیری نمایند والله العالم. ۱۳۸۱/۰۴/۳۱؛ آیت الله مکارم شیرازی: این کار جایز نیست و سبب فسق شهود می شود مگر در مواردی که علم به حرمت نداشته باشند. ۱۳۸۱/۰۴/۳۰؛ آیت الله موسوی اردبیلی: در فرض مسأله کاری که انجام می دهند، یعنی از راه جستجو و نشستن در کمین و زیر نظر گرفتن تعقیب می کنند صحیح نیست، بلکه حرام است و موجب فسق می شود. ۱۳۸۳/۰۳/۱۷. (گنجینه استفتائات قضایی- قم، سؤال ۵۸۶۵)

سؤال: درباره جرایم منافی عفت بفرمایید: الف. حکم شرعی تحقیق در جرایم منافی عفت چیست؟ ب. در صورت ممنوع بودن بند(الف)، مجازات تحقیق در جرایم منافی عفت چیست؟

آیت الله بهجت (قدس سره): الف. در موردی که مدعی خاص باشد یا تراحم حقوق باشد مانعی ندارد؛ ب. در موردی که تفحص بی جا گناه کبیره محسوب شود تعزیر دارد. ۱۳۸۲/۰۵/۱۹؛ آیت الله مکارم: تحقیق و تجسس در این گونه موارد جایز نیست مگر در شرایط خاصی و اگر کسی تحقیق کند، حاکم شرع می تواند او را تعزیر نماید. ۱۳۸۱/۱۲/۲۷؛ آیت الله اردبیلی: الف. تجسس افراد، درباره جرائم مشکوک و منافی عفت که متهم و اتهام ارتباطی با آن افراد ندارد، جایز نیست و قابل تعزیر می باشد البته حکومت می تواند به خاطر مصالح عمومی جامعه یا وضع مقررات، در این باره اقداماتی انجام دهد. ۱۳۸۲/۰۲/۱۸ (گنجینه استفتائات قضایی- قم، سؤال ۹۱۵۵)؛ و. ر. ک: گنجینه استفتائات قضایی- قم، سؤال ۶۶۲۵.

۲۰. برای نمونه ر. ک: ماده ۲۱۷ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

۲۱. برای نمونه ر. ک: ماده ۱۱۴ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

دادگاه و حتی در حین اجرای حکم^{۲۲}؛ قبول ادعای مرتکب، مبنی بر وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب جرم^{۲۳} و سقوط مجازات در فرض شبهه^{۲۴}، همگی نشان می‌دهد که جعل بسیار محدود اعدام در مجازات‌های حدی - برای جرایم و جنایات غیر انسانی و بسیار بزرگ و هولناک - نیز جنبه پیشگیری و بازدارندگی دارد. بر این اساس، اسلام حتی در محدوده بسیار کوچک و مضیق نیز نه تنها در صدد اجرای اعدام نیست، بلکه به شکل عاقلانه و حکیمانه در مقام عدم اجرای آن؛ بلکه عدم اثبات جرایم موجب آن، تا حد ممکن است؛ تا چه رسد به حق قصاص که از اساس، حق است و نه حکم اعدام قطعی.

برخی از وجوه ممیزه «حق قصاص» عبارت است از:

یک. حق قصاص به خانواده مقتول داده می‌شود.^{۲۵} و هیچ دادگاهی بدون درخواست خانواده مقتول نمی‌تواند تصمیم به اعدام و یا رهایی قاتل از مرگ بگیرد. بدین ترتیب وضعیت داغ دیدگان و حال و روز آنان در این حق در نظر گرفته شده است.

نمی‌توان همیشه و بدون استثنا، بازماندگان کسی را که به شکل غیر انسانی، شقاوت‌آمیز و مظلومانه کشته می‌شود، به صبر و فروختن احساساتشان توصیه کرد. همین که قانون، حقی را برای بازماندگان نسبت به مجازات جانی، قائل می‌شود، آنان حس خواهند کرد که به شرایط و حقوق آنها توجه شده و داغ آنها ملاحظه شده است. این موضوع موجب می‌شود احتمال اقدامات تلافی‌جویانه و آسیب‌های روانی وحشتناک ناشی از سرخوردگی در برابر ظلم وارده به آنان و جامعه، کاهش یابد.

۲۲. برای نمونه ر. ک: ماده ۱۷۳ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

۲۳. برای نمونه ر. ک: ماده ۲۱۸ و ماده ۲۶۳ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

۲۴. برای نمونه ر. ک: ماده ۱۲۱ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

۲۵. اسراء، آیه ۳۳: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لوكِيهِ سُلْطَانًا.

دو. مجازات قتل، قطعی نیست و خانواده مقتول می‌توانند قاتل را ببخشند و این امکان، بستری برای شکل‌گیری بزرگ‌ترین جلوه‌های انسانی را فراهم می‌کند. در چنین فضایی در بسیاری از موارد، قاتل پس از ابراز پشیمانی در برابر خانواده مقتول، مورد عفو قرار می‌گیرد و با خضوع و سپاس از احسان و عفو بزرگ آنان، کریمانه به جامعه باز می‌گردد و البته گاه خانواده مقتول نمی‌توانند با خود کنار بیایند و از حق طبیعی، عادلانه و قانونی خود استفاده می‌کنند و قاتل کشته می‌شود. اما به هر حال احتمال عفو و اصلاح، در حق قصاص، بسیار قابل توجه است.^{۲۶}

سه. امکان اخذ دیه از دیگر امتیازات حق قصاص در اسلام است. دیه اگرچه نمی‌تواند از آسیب‌های عاطفی و انسانی ناشی از جنایت بکاهد؛ لیکن می‌تواند آسیب‌های اقتصادی ناشی از آن را تا حدودی ترمیم کند. علاوه بر امکان اخذ دیه، گاه می‌تواند به عفو از قصاص و بازگشت بزهدار به جامعه کمک کند.

۲. ادعاهای سازمان عفو بین‌الملل

«سازمان عفو بین‌الملل»^{۲۷} یکی از سازمان‌هایی است که از سال ۱۹۶۱ در زمینه‌های موسوم به حقوق بشر فعالیت می‌کند.^{۲۸} دفتر این سازمان در انگلستان

۲۶. در این زمینه می‌توانید به آمار عفوهای قابل توجه، نسبت به اجرای قصاص در ایران مراجعه فرمایید. برای نمونه خبر عفو ۳۷۵ نفر در سال ۹۲، توسط اولیاءدم از سوی سخنگوی قوه قضائیه اعلام شده بود. (پایگاه خبری عصر ایران به آدرس <http://www.asriran.com> خبر شماره ۳۳۴۵۶۵ به تاریخ انتشار ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ با عنوان: «سال گذشته ۳۷۵ مورد رضایت اولیای دم داشتیم».)

۲۷. Amnesty International؛ پایگاه این سازمان به آدرس: www.amnesty.org می‌باشد.

۲۸. پژوهش و ترجمه مطالب نقل شده از منابع خارجی در این گفتار - که از منابع رسمی و یا معتبر در نزد خود آنهاست - توسط فاضل محترم، جناب آقای مهندس حجت‌الله حاجی کاظم انجام شده است.

(لندن) می‌باشد و تلاش می‌کند از طریق افکار عمومی بر دولت‌ها فشار وارد نماید.^{۲۹} بسیاری از مسائل حقوق بشری که ظاهراً از سوی این سازمان پیگیری می‌شود، مطالبه واقعی ما و کشور ماست؛ اما در عین حال و متأسفانه، این سازمان با درک نکردن یا پوشاندن کارکردهای بازدارنده ممکن برای وجود قانون مجازات مرگ^{۳۰} (اعدام) در قوانین حقوقی کشورها از یک سو و فرق نگذاشتن میان حکم اعدام و حق قصاص از سوی دیگر، مخالف سرسخت هرگونه قانون مجازات مرگ حتی برای قاتلان است هر چند این مجازات، ناشی از حق قصاص باشد. روشن است که تلاش همه دولت‌ها بر این است که تعداد مجرمان مشمول مجازات را کاهش دهند اما ادعای این سازمان، لزوم حذف کامل مجازات مرگ از کلیه قوانین جزایی و جایگزین کردن مجازات‌های دیگری به جای آن است.

عفو بین‌الملل، این حذف را بدون توجه به طبیعت جرم، شخصیت مجرم و حتی روش اعدام، دنبال می‌کند.^{۳۱} این سازمان حتی مجازات اعدام برای جنایتکاران و قاتلان را بر نمی‌تابد و البته مدعی شده که مجازات اعدام نه تنها موجب کاهش جرم نیست، بلکه موجب افزایش آن است. در ادامه دلایل این سازمان را مطرح و نقد می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم که نمی‌توان بازدارندگی مجازات مرگ را نادیده پنداشت. سپس هر چند مؤکداً تذکر می‌دهیم که حق قصاص با اعدام

29. http://en.wikipedia.org/wiki/Amnesty_International.

30. The Death Penalty.

۳۱. عبارت انگلیسی جزوه توجیهی سازمان عفو بین‌الملل که با عنوان

Questions and Answers تیرماه ۱۳۹۳ از این مسیر قابل دریافت است:

<http://www.amnesty.org/en/info/ACT50/10/2007>، چنین می‌باشد:

“Amnesty International opposes the death penalty in all cases without exception regardless of the nature of the crime, the characteristics of the offender, or the method used by the state to kill the prisoner”

تفاوت ماهوی دارد اما از بازدارندگی وجود قانون مجازات مرگ (اعدام) در قوانین، برای تحلیل حق قصاص، بهره خواهیم برد.

کلیه مواردی که در این گفتار از قول سازمان عفو بین الملل آورده می شود، از پایگاه رسمی خود این سازمان^{۳۲} ذکر شده است که شامل مواضع رسمی آن مجموعه است. توجیحات ذکر شده در اینجا، در سال ۲۰۰۷ از سوی این سازمان تدوین شده است و تاکنون تغییری در آن ایجاد نکرده اند.

به نظر می رسد یکی از مهم ترین کارکردهای وجود مجازات اعدام در قانون، ایجاد بازدارندگی از جرایم، غیر انسانی دهشتناک و به شدت وحشیانه است. سازمان عفو بین الملل این کارکرد را نادیده می انگارد و ادعا کرده که: «مطالعات تجربی در مجموع از یافتن مدارک قانع کننده ای که نشان دهد مجازات مرگ بازدارندگی بیش تری نسبت به دیگر مجازات ها داشته است ناتوان بوده است».^{۳۳} در ادامه به عبارت یکی از پژوهش های سازمان ملل اشاره می کند: «تحقیقات، از فراهم آوردن دلایل علمی برای اثبات اینکه اعدام بازدارندگی بیش تری نسبت به حبس ابد دارد، ناتوان (شکست خورده) است».^{۳۴}

32. www.amnesty.org.

۳۳. جزوه توجیهی سازمان عفو بین الملل، صفحه ۴؛ مدرک مذکور با عنوان:

Teh death Penalty, Questions and Answers تیرماه ۱۳۹۳ از این مسیر قابل دریافت است:

<http://www.amnesty.org/en/library/info/ACT50/010/2007>

متن این ادعا چنین است:

“Scientific studies have consistently failed to find convincing evidence that the deathpenalty deters crime more effectively than other punishments.”

۳۴. متن این عبارت در جزوه توجیهی سازمان عفو بین الملل صفحه ۴ چنین است:

“research has failed to provide scientific proof that executions have a greaterdeterrent effect than life imprisonment.”

سازمان عفو بین الملل به عنوان شاهدهی بر اینکه حذف هرگونه اعدام از قوانین یک کشور، تأثیر جدی بر وضعیت جرم در آن کشور ندارد، به کانادا اشاره می نماید که در سال ۱۹۷۶ مجازات اعدام را حذف کرده و به ادعای این سازمان از آن سال، آمار «قتل نسبی»^{۳۵} در این کشور کاهش پیدا کرده است. این سازمان پا را فراتر نهاده و ادعا می کند که این مجازات نه تنها موجب حفاظت بیش تر از جامعه نیست، بلکه عاملی برای افزایش «خوی درندگی»^{۳۶} در جامعه است. ^{۳۷} این سازمان به عنوان دلیلی بر اینکه چرا به نظر آنان مجازات مرگ، بازدارندگی ندارد، می نویسد:

نادرست است تصور کنیم افرادی که مرتکب جرم های سنگینی همچون قتل می شوند، این کار را پس از بررسی عواقب و پیامدهای منطقی آن انجام می دهند. قتل ها اغلب در لحظاتی اتفاق می افتد که احساسات فرد بر قوه تعقلش غلبه کرده یا فرد تحت تأثیر مواد مخدر یا مشروبات الکلی است. ^{۳۸}

در ادامه نیز به تحقیقی که از سوی این سازمان در میان محکومان به مرگ در آمریکا انجام شده اشاره می کند. این تحقیق ادعا می کند که حدود ده درصد از محکومان به مرگ در آمریکا از سال ۱۹۷۷، آن چنان از مشکلات ذهنی رنج

۳۵. منظور از قتل نسبی، تعداد قتل نسبت به ۱۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور است.
(homiciderate)

36. brutalization.

۳۷. جزوه توجیهی سازمان عفو بین الملل، صفحه ۴.

۳۸. جزوه توجیهی سازمان عفو بین الملل، صفحه ۵؛ متن آن به شرح ذیل است:

“It is incorrect to assume that people who commit such serious crimes as murder do so after rationally calculating the consequences. Often murders are committed in moments when emotion overcomes reason or under the influence of drugs or alcohol.”

می بردند که از فهم عقلانی احکام مرگ خویش، دلیل آن و نیز استلزام میان جرم خود و مجازات مرگ، عاجز بودند. ۳۹

۳. نقد ادعاهای سازمان عفو بین الملل

در حال حاضر در بیش تر کشورهای جهان، مجازات اعدام در عمل از سوی دولت ها، اجرا نمی شود. با توجه به این موضوع، دسترسی نداشتن به نمونه های متکثر دارای شرایط مشابه، موجب ناتوانی پژوهش های تجربی خواهد بود. روشن است که ناتوانی پژوهش های تجربی برای اثبات بازدارندگی اعدام را نمی توان دلیل بر حذف آن دانست. به نظر می رسد در چنین شرایطی باید از دلایل توصیفی و پژوهش های موردی نیز استفاده کرد که متأسفانه به هر دلیلی، از سوی سازمان ملل و سازمان عفو بین الملل، چندان به آن پرداخته نشده است. توماس کوهن^{۴۰} یکی از فیلسوفان علم، طی مطالعات علم شناسانه خود به این باور رسیده است که پژوهش های دانشمندان یک عصر، به سوی تحقیقاتی هدایت می شود که در راستای نظریه و پارادایم پذیرفته شده آن عصر باشد.^{۴۱} اگرچه عمومیت این سخن، قابل نقد است و در جای خود باید به آن پرداخته شود؛ لیکن به نظر می رسد در مورد بازدارندگی مجازات اعدام، پژوهش های تجربی عصر حاضر از این اشکال دور نیست.

در ادعاهای سازمان عفو بین الملل، بازدارندگی مجازات «اعدام»، نسبت به «حبس ابد» ارزیابی شده است و پیش فرض آن این است که حبس ابد گزینه

۳۹. جزوه توجیهی سازمان عفو بین الملل، صفحه ۵.

40. The university of chicago

۴۱. کتاب The Structure of Scientific Revolutions انتشارات University of Chicago

شهر Chicago and London ویرایش سوم ۱۹۶۶، صفحه ۲۴.

مناسب تری، نسبت به اعدام است در حالی که این امر، نیاز به اثبات دارد و چنان که خواهد آمد این پیش فرض به شدت قابل تردید؛ و بلکه در مقایسه با حق قصاص، مردود است.

در مورد مثال کانادا، باید به نکاتی توجه شود:

یک. بعد از سال ۱۹۷۶ (سال حذف اعدام از قوانین کانادا) در بازه‌هایی، شاهد افزایش تعداد قتل نسبی در کانادا هستیم. برای مثال، در بازه ابتدای سال ۱۹۸۱ تا انتهای سال ۱۹۸۳ در مجموع حدود ۱۱ درصد، در سال ۱۹۹۱ حدود ۱۳ درصد و در بازه ابتدای سال ۲۰۰۴ تا انتهای سال ۲۰۰۵ در مجموع حدود ۱۸ درصد افزایش قتل نسبی در این کشور را شاهد هستیم.^{۴۲}

دو. در چند سال نزدیک به سال حذف مجازات اعدام، شاهد افزایش غیر عادی تعداد قتل در این کشور بوده‌ایم و نمی‌توان آن سال‌ها را ملاک قرار داد؛ به نحوی که از سال ۱۹۷۶ (سال حذف اعدام از قوانین کانادا) تاکنون در همه سال‌ها، تعداد نسبی قتل در کانادا از کمینه میزان نسبی قتل در قبل از ۱۹۶۴ بالاتر است و آن افزایش غیر عادی را هنوز هم جبران نکرده است.^{۴۳}

سه. قتل نسبی در سال‌های اخیر در بسیاری کشورها (اعم از آنکه مجازات اعدام را کنار گذاشته یا نگذاشته باشند) در حال کاهش است.^{۴۴} شاید این امر به

۴۲. پایگاه رسمی آمارهای کانادا وابسته به دولت آن کشور به آدرس: www.statcan.gc.ca که این آمارها

از آدرس <http://www.statcan.gc.ca/daily-quotidien/131219/dq131219b-eng.htm>

قابل مشاهده است.

۴۳. همان.

۴۴. مطالعات جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، صفحه ۱۲؛

تیرماه ۱۳۹۳ قابل دریافت از پایگاه رسمی این دفتر و از آدرس:

http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_GLOBAL_HOMICIDE_BOOK_web.pdf

دلیل کنترل های فناورانه باشد .

چهار . کاهش تعداد قتل در بسیاری از کشورهایی که ۴۰ سال است اعدام را کنار گذاشته اند، فقط مربوط به ۱۵ سال اخیر است و این نشان می دهد که عامل دیگری در این کاهش، نقش داشته است، نه حذف اعدام .

پنج . مثال کانادا، بسیار خوشبینانه است و کشورهایی را می توان نام برد که با وجود حذف مجازات اعدام، در بازه هایی، افزایش قابل توجه قتل داشته اند . به نظر می رسد در این زمینه آمار معناداری نیز وجود دارد که اشاره خواهد شد .

شش . مجازات قتل عمد در حقوق اسلامی، اعدام نیست؛ بلکه قصاص است و این دو مورد با یکدیگر در ماهیت، بسیار متفاوت هستند؛ لذا مترادف گرفتن این دو عنوان (اعدام و قصاص) با هم و تاختن بر «حق قصاص» از طریق حمله بر «حکم اعدام»، کاری به شدت غیر علمی و غیر اخلاقی است .^{۴۵}

۴۵ . اگر گفته شود: اشکالات سازمان عفو بین الملل مربوط به مجازات اعدام است و در اسلام هم مجازات اعدام حدی وجود دارد و هم قصاص نفس و این پاسخ نمی تواند اشکال بر مجازات اعدام حدی را حل کند؛ در پاسخ گفته می شود: ما فعلاً در مقام پاسخ از شبهات حکم قصاص هستیم و به دفع شبهات از اعدام حدی باید در جای خود پرداخته شود و چنان که پیشتر اشاره شد از نحوه سخت گیری شدید در اثبات بسیاری از جرایم حدی موجب اعدام و حتی گاه ایجاد مانع در اثبات آنها (ر . ک: بند الف ماده ۱۷۲ و مواد ۱۹۹، ۲۰۰، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۴۱، ۲۶۳) و قرار دادن قیود بسیار در موضوع آنها (ر . ک: مواد ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۴) و سهولت شدید جریان قاعده دره در قریب به اتفاق آنها (ر . ک: مواد ۱۲۰، ۱۲۱) بر می آید که جعل قانونی اعدام های حدی عمده تاً دارای نقش بازدارنده است نه اجرا شونده؛ همچنین عوامل زیاد اسقاط کننده ای که برای این حدود حتی پس از ارتکاب جرم وجود دارد، نظیر عفو (ر . ک: مواد ۹۶-۹۸ ق.م.ا)، توبه مجرم (ر . ک: ماده ۱۱۴ ق.م.ا) و یا انکار بعد از اقرار (ر . ک: ماده ۱۷۳ ق.م.ا)، به روشنی نشان می دهد که اسلام، اجرا شدن این حدود را به شکل بسیار هوشمندانه ای به حداقل ممکن رسانده در عین آن که جنبه بازدارندگی آنها را نیز نسبت

به نظر می‌رسد وجود مجازات اعدام بر خلاف ادعای عفو بین الملل، نه تنها موجب افزایش خشونت و خوی درندگی در جامعه نمی‌شود، بلکه به کاهش آن کمک می‌کند؛ زیرا عموم انسان‌ها «مقابله به مثل» را ناعادلانه نمی‌دانند. و همان‌گونه که کشتن مهاجم در دفاع از خویشتن در جهان، به عنوان ترویج خشونت قلمداد نشده و امری پذیرفته شده است، قرار دادن مجازات مرگ در قتل عمد در صورت نبخشیدن خانواده مقتول، برای دفاع از جامعه بوده و نمی‌تواند ترویج خشونت تلقی گردد. به این نکته نیز باید توجه شود که با ترحم غیر عاقلانه و ناعادلانه بر قاتل ظالم بی‌رحم، امکان کشته شدن انسان‌های مظلوم و بی‌گناه افزایش خواهد یافت؛ در حالی که دولت‌ها در فرض تراحم میان حفظ حقوق اولیه انسان‌ها (نظیر حق حیات و امنیت آنان) از یک سو، و حفظ و بقای جنایتکاران از سوی دیگر، باید به دفاع از بزه دیدگان و شهروندان بی‌گناه و بی‌دفاع اهمیت بیش تری بدهند.

در مورد قتل، به علت از دست دادن قدرت تصمیم‌گیری و تحت تأثیر مواد مخدر و الکل و ناتوانی ذهنی، باید گفت:

یک. طبق قوانین کیفری اسلام اگر قاتل، قدرت تصمیم‌گیری و درک صحیحی از قتل نداشته است، محکوم (به قصاص) نخواهد شد^{۴۶} و اگر این امر در قوانین برخی از کشورها رعایت نمی‌شود و علیه چنین افرادی مجازات تعیین می‌شود و حتی به اعدام محکوم می‌شوند، اشکال به این جنبه از قوانینشان بر می‌گردد.

> به ارتکاب جرائم بسیار سنگین و غیر انسانی و آسیب‌زای شدید، نسبت به انسان و انسانیت و جامعه بشری، به شکل حکیمانه و حداکثری حفظ کرده است. «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا؛ آیا آنها حکم جاهلیت را می‌خواهند؟ و چه کسی در حکم کردن بهتر از خداست». (مائده، آیه ۵۰)

۴۶. ر. ک: مواد ۱۵۴ و ۱۲۰ و ۳۰۷ و ۱۴۹ و ۱۴۰ و ۹۱ ق. م. امصوب ۱۳۹۲.

دو. بازدارندگی قانون مجازات، قرار نیست در لحظه تصمیم‌گیری نسبت به «قتل یا عدم قتل» بروز نماید، بلکه همین که افراد جامعه قبل از مواجهه با چنین موقعیت‌هایی با خود کنار آمده باشند، در خطر نکردن تصمیم قتل به اذهان آنان مؤثر است. اینکه کسی حس کند در هیچ موقعیتی (حتی با احتمال فرار از قانون) هیچ هدف و انگیزه‌ای، ارزش مرگ و به خطر انداختن جان خویشتن را ندارد، تأثیر روانی قابل توجهی در عدم وقوع جنایت دارد.

سه. در مورد قتل‌های سازمان‌یافته و یا مرتبط با گروه‌های تبهکاری و نیز قتل‌هایی که با انگیزه قبلی انجام می‌شود، میزان خطر به طور روشن از سوی قاتل، محاسبه می‌شود و تصمیم لحظه‌ای نیست.

چهار. پژوهش انجام شده در آمریکا، حداکثر در مورد ده درصد محکومان به مرگ در این کشور، حرفی برای گفتن دارد که این رقم نمی‌تواند نشان از بی‌تأثیر بودن وجود مجازات مرگ باشد؛ ضمن اینکه منطقی‌تر آن است که بازدارندگی این مجازات در کسانی که امکان ارتکاب قتل داشته اما از آن صرف نظر کرده‌اند بررسی شود و نه کسانی که آن را نادیده و مرتکب قتل شده‌اند؛ چراکه قرار نیست وجود مجازات بازدارنده در قوانین، جرم را به طور مطلق برچیند؛ بلکه همین که در عموم موارد، انگیزه جرم را از بین ببرد، وجه مناسبی برای درج آن مجازات در قانون است.

۴. بازدارندگی مجازات مرگ از قتل

به رغم ادعای سازمان عفو بین‌الملل مبنی بر نبودن شواهد کافی بر بازدارندگی مجازات اعدام، به نظر می‌رسد آمار معنادار و حداقل، جالب توجهی درباره نسبت میزان نسبی قتل و بودن یا نبودن مجازات مرگ در قوانین وجود دارد. این آمار بر اساس آخرین مستند «مطالعات جهانی قتل»^{۴۷} از سوی دفتر مواد مخدر

47. Global Study on Homicide.

و جرم سازمان ملل متحد، بررسی شده است. موارد ذیل از پایگاه رسمی دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (www.unodc.org) استفاده شده است. هرچند نیاز به تعریف پژوهش‌های بی‌طرفانه در این زمینه وجود دارد اما اطلاعات ذیل، از میان نمونه‌های محدود اعلام شده، نشان از احتمال قابل توجه بازدارندگی مجازات مرگ دارد:

در برخی از کشورهای حذف‌کننده مجازات اعدام، روند افزایش قتل در بازه‌های ثبت شده، قابل مشاهده است:

مورد اول، در کشور ونزوئلاست که از سال ۱۸۶۳ اعدام را حذف کرده است اما با این وجود، آمارهای سراسر بازه ثبت شده (۱۹۵۵ تا ۲۰۱۲) افزایش مستمر قتل نسبی را نشان می‌دهد. در این مدت، قتل نسبی در این کشور در مجموع، بیش از نه برابر شده است.^{۴۸}

مورد دوم، کشور هلند است که با حذف اعدام در سال ۱۸۷۰، در بازه ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۱ افزایش متوسط نرخ قتل نسبی (بیش‌ترین برکم‌ترین، حدود سه برابر) را داشته است.^{۴۹}

در برخی کشورها، این افزایش در برخی بازه‌ها دیده می‌شود که حداقل نشان می‌دهد حذف اعدام نتوانسته خشونت قتل را در این کشورها کنترل نماید.

نمونه اول کلمبیا است که از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۹۳ روند افزایشی قابل توجهی در تعداد قتل داشته است. در این مدت تعداد قتل بیش از پنج برابر افزایش

۴۸. مطالعات جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، صفحات ۳۶ و ۳۷؛ تیرماه ۱۳۹۳ قابل دریافت از پایگاه رسمی این دفتر و از آدرس:

http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_global_homicide_book_web.pdf

۴۹. همان.

یافته است. این در حالی است که کلمبیا از سال ۱۹۱۰ تاکنون مجازات اعدام را حذف کرده است. ۵۰

نمونه دوم، ایتالیا است که در سال ۱۹۴۷ اعدام را حذف کرده است اما از ابتدای بازه ثبت شده ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۵ افزایش مستمر در قتل نسبی داشته است. در این مدت قتل نسبی به چهار برابر، افزایش یافته است. ۵۱

نمونه سوم، کشور نیوزیلند است که اعدام را از سال ۱۹۶۱ حذف کرده است. در این کشور در بازه ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۳ به طور تقریبی شاهد افزایش سالانه در نرخ قتل نسبی هستیم. در این بازه، قتل نسبی در این کشور تا بیش از دو برابر افزایش می‌یابد. ۵۲

از سوی دیگر با وجود آنکه کشورهای دارای قانون مجازات اعدام، محدود به چند کشور هستند، معمولاً روند کاهشی در نرخ قتل نسبی دیده می‌شود. در کشور چین که بیشترین اعدام را در جهان داراست، از سال ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۲ نرخ قتل نسبی، در حال کاهش است. میزان این کاهش به یک پنجم، قابل مشاهده است. ۵۳ در کشور ژاپن که اعدام هنوز در قوانینشان جای دارد، از ابتدای بازه ثبت شده ۱۹۵۵ تاکنون، نرخ قتل نسبی، روند کاهشی داشته است. این کاهش، به حدود یک ششم قابل تقریب است. ۵۴

هرچند برای ادعای اینکه الزاماً و همیشه قانون مجازات مرگ، نسبت به قانون مجازات حبس ابد، موجب بازدارندگی بیش‌تری می‌گردد، به پژوهش‌های

۵۰. همان.

۵۱. همان.

۵۲. همان.

۵۳. همان.

۵۴. همان.

توصیفی و میدانی از سطح عمومی جامعه و از کسانی که در معرض این جرم هستند نیازمندیم، اما موارد مذکور قرینه‌های خوبی برای این است که نباید بازدارندگی مجازات اعدام نادیده گرفته شود. حال این قرینه‌ها را به استدلال دیگری بیفزایید که «شهود عمومی»^{۵۵} انسان‌ها این است که هیچ چیزی سخت‌تر از مرگ نخواهد بود. اگر مجازات حبس ابد، سختی مجازات مرگ را دارا باشد، باید تعداد قابل توجهی از محکومان به حبس ابد، ابتدای محکومیت، اقدام به خودکشی کنند، اما چنین موردی گزارش نشده است. رقم خودکشی در زندان هر چند نسبت به مرگ طبیعی زندانیان قابل توجه است و نشان دهنده آسیب‌های روحی زندان است، اما نسبت به کل زندانیان، در مناطق مختلف، ارقامی همچون ۱۴، ۹۴، ۶۱، ۱۱ و ۳۵ نفر در هر «صد هزار» زندانی برآورد شده است^{۵۶}.

به نظر می‌رسد بیش‌تر بودن بازدارندگی مجازات مرگ، نسبت به حبس، مسئله روشنی است که به سبب آنکه پژوهش‌های انجام شده با پیش‌فرض قبلی وارد موضوع می‌شوند، در این شهود شفاف عمومی، تردید می‌کنند.

اینها همه مربوط به بازدارندگی اعدام بود. به نظر می‌رسد از جهتی، بازدارندگی قصاص، حتی از اعدام نیز بیش‌تر است؛ علاوه بر اینکه بسیاری از آسیب‌های اعدام را نیز ندارد (که اشاره خواهد شد).

55. common sense.

۵۶. در سال ۲۰۱۲ بر اساس آخرین منابع موجود از سوی سازمان ملل متحد نرخ نسبی خودکشی در میان زندانیان در هفت کشور قاره امریکا ۱۴ و در شش کشور جنوب شرق اروپا ۹۴ و در یازده کشور شمال غرب اروپا ۶۱ و در پنج کشور آسیایی ۱۱ و در دو کشور اقیانوسیه ۳۵ نفر (در هر صد هزار نفر) برآورد شده است.

مطالعات جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، صفحه ۹۷؛ تیرماه ۱۳۹۳ قابل دریافت از پایگاه رسمی این دفتر و از آدرس:

http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_global_homicide_book_web.pdf

۵. قصاص و حفظ حیات

قرآن کریم بر نقش تأثیرگذار قصاص در حفظ حیات جامعه تأکید می‌کند و گویا مخاطبان خویش را به این نکته تنبه می‌دهد که گاهی کشتن مهاجم در مقام دفاع از حیات جامعه، مانند کشتن او در مقام دفاع از حیات فرد، لازم است و قصاص شخص جنایتکار، دفاع از حیات جامعه است. حضرت حق (جَلَّ وَعَزَّ) می‌فرماید:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛^{۵۷}

وای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که به تقوا گرایید.
امام زین العابدین (ع) در تفسیر این آیه شریفه در روایت ذیل به نقش حیات بخش قانون قصاص برای گروه‌های مختلفی از جامعه، اشاره فرموده است: نخست کسانی که انگیزه جنایت بر دیگران را دارند و از ترس اجرای این قانون از اقدام به جنایت خودداری می‌کنند و حیات معنوی و مادی خود آنها آسیب نمی‌بیند. دوم، کسانی که جانشان در نهایت، از سوی گروه اول مورد تهدید است و با پرهیز گروه اول از ارتکاب جنایت، آنان نیز جان سالم به در خواهند برد. سوم، آحاد جامعه هستند که با وجود این قانون، انگیزه جنایت در آنان یا حداقل در برخی از آنان از اول شکل نخواهد گرفت و همین امر، موجب بقای حیات آنها و دیگران خواهد بود. ایشان می‌فرمایند:

وَلَكُمْ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ؛ لِأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ فَعَرَفَ أَنَّهُ [أَنَّ] يُقْتَصُّ مِنْهُ فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ كَانَ حَيَاةً لِلَّذِي هَمَّ بِقَتْلِهِ وَحَيَاةً لِهَذَا الْجَانِي (الْجَانِي) الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ وَحَيَاةً لِغَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ إِذَا عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ لَا يَجْسُرُونَ عَلَى الْقَتْلِ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ؛^{۵۸}

۵۷. بقره، آیه ۱۷۹.

۵۸. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹.

و برای شما ای امت محمد(ص) در حق قصاص، حیات است؛ زیرا کسی که می خواهد قتلی را مرتکب شود وقتی بداند که قصاص می شود [نوعاً] خویشتن داری می کند و به این قتل، اقدام نمی کند و این [اولاً] موجب حیات است برای کسی که اهتمام به قتل او کرده بود و [ثانیاً] موجب حیات برای کسی است که می خواست مرتکب قتل شود و منصرف گردید و [ثالثاً] موجب حیات است برای غیر این دو از مردم که وقتی حکم قصاص را بدانند [نوعاً] از ترس قصاص، جرأت و جسارت بر قتل نمی یابند [و ترس از قصاص، مانع از اندیشه جنایت و قتل در آنها می شود تا چه رسد به این که بخواهند آن را عملی کنند.]

امیرالمؤمنین(ع) نیز می فرماید:

الْقَتْلُ يُقِلُّ الْقَتْلَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»؛^{۵۹}

کشتن [قاتلان] موجب کم شدن کشتن [بی گناهان] می شود. خداوند

می فرماید: «ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است».

در ادامه با تفصیل بیشتری به ویژگی های خاص قصاص و امور مرتبط با آن

می پردازیم.

۶. قصاص و حق بزه دیده

هر جنایت حداقل سه طرف دارد که قانون با توجه به آنها باید وضع شود. این سه طرف عبارتند از: بزه کار، بزه دیده و جامعه. به نظر می رسد نگاه مخالفان قصاص، ناشی از تمرکز بر وضعیت بزه کار و غفلت از موقعیت بزه دیده و جامعه است. تردیدی نیست که در بسیاری از موارد با وقوع یک جنایت ظالمانه، مجنی علیه - در صورت زنده ماندن - و بستگان و دوستان وی متألم و متأثر می شوند و حس طبیعی و انسانی مجازات مجرم در آنان زنده می گردد. عموم

۵۹. طوسی، الامالی، ص ۴۹۴.

مردم حس می کنند که مجرم باید مجازات و تنبیه شود و اگر احساس کنند که مجازات در نظر گرفته شده در قانون برای شخص بزهکار، کم و نامتناسب است، علاوه بر اینکه اعتماد به قانون از دست می رود این امر می تواند موجب کاهش آرامش روانی و گاه دست زدن آنان به انتقام شخصی شود. انکار مطالبه مجنی علیه و وابستگان او، می تواند جامعه را دچار آسیب و هرج و مرج کند.

ممکن است گفته شود: باید افراد جامعه به درجه ای از فرهنگ رسانیده شوند که به دنبال مجازات و تنبیه مجرم نباشند و با خود کنار بیایند. در این صورت می گوئیم: اصل مطالبه مجازات با عدالت طلبی مرتبط است و نمی توان عدالت و حق بزه دیده را نادیده گرفت و آن را حذف کرد و چنین امری خود غیراخلاقی و ظالمانه است؛ علاوه بر این، جایی که خانواده مقتول عفو نمی کنند - به استثنای موارد خاص - می تواند حاکی از این باشد که فرهنگ سازی درست انجام نشده و یا مؤثر واقع نشده است؛ لذا با وجود خواهش دیگران برای عفو، صاحبان حق هر چه کرده اند نتوانسته اند با بخشیدن قاتل، کنار آیند؛ و این یعنی اگر حق قصاص را از آنان بگیرد، به احتمال قوی به اقدام شخصی علیه قاتل و وابستگان وی دست می زنند. (دقت فرمایید)

همین وضعیت در سطح دیگری نیز قابل تصور است. جامعه از وقوع یک جنایت، متأثر می شود و گاه اجرا نشدن مجازاتی مناسب با یک جرم بسیار وحشیانه، علاوه بر کاهش بازدارندگی قوانین، موجب تلقی بی عدالتی در عموم جامعه می گردد. این وضعیت، مطلوب مجرمان است و می تواند موجب افزایش تمایل به جرم شود. باید توجه داشت که توجه عاطفی غیرعاقلانه و جانبدارانه نسبت به مجرمان و غفلت از حقوق اولیه بزه دیدگان و سایر افراد جامعه و بی توجهی به فواید جمعی اعمال مجازات مجرمان، نقش تأثیرگذار مجازات ها را در اجتماع کم رنگ می کند.

یکی از ویژگی‌های حق قصاص این است که با سپردن حق بخشش یا قصاص جانی به خانواده بزه‌دیده و تأکید و تحریص بر عفو و بخشش قاتل، به تناسب وضعیت روحی و تألمات آنان عمل می‌نماید. امیرالمؤمنین (ع) در روایتی به اهمیت و اولویت اصل «عدالت» در اداره جامعه که ضامن مصلحت همگان است تأکید می‌کنند. و در پاسخ به این پرسش که به عنوان یک اصل اولی و حاکم، آیا عدالت برتر است یا بخشش؟ می‌فرمایند:

العدل یضع الأمور مواضعها، والجدود یخرجها من جهتها. والعدل سائس^{۶۰}
عام، والجدود عارض خاص. فالعدل اشرفهما و افضلهما؛^{۶۰}

عدالت امور را در جای خود قرار می‌دهد و [چنانچه بنا باشد] بخشش [اصل اولی و حاکم بر عدالت و ناقض آن باشد] آنها را از جای خود خارج می‌کند. عدالت تدبیر و قانونی عمومی است و بخشش، پدیده‌ای عارضی و خاص است. پس از میان این دو، عدالت برتر و ارزشمندتر است. [و بخشش تا جایی فضیلت دارد که به عدالت آسیب نرساند]

در این روایت شریف، به عدالت در عرصه اجتماعی به عنوان یک اصل اولی، اولویت داده شده است (که البته نافی اولویت بخشش در عرصه فردی نیست).

مزیت دیگری که در سپردن این حق به خانواده مقتول وجود دارد، در نظر گرفته شدن شرایط وقوع جرم است. توضیح اینکه مجرمان و جانپانان از نظر انگیزه، شرایط روانی، تربیتی و فرهنگی متفاوتند. به همین سبب گاهی در میان آنان کسانی یافت می‌شوند که با توجه به همه عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی و نوع و کیفیت جنایت واقع شده، عموم انسان‌ها، هیچگونه احساس ترحم و دلسوزی در تخفیف شدیدترین مجازات‌ها نسبت به آنها ندارند؛ بلکه گاهی عموم مردم در مورد

۶۰. نهج البلاغه، ص ۴۹۵، کلمات ۴۲۹.

کسانی که مرتکب کشتارهای جمعی و جنایات فجیع شده‌اند بر این باورند که اعدام یا قصاص آنها تنها می‌تواند مجازات بخش کوچکی از جنایات آنها باشد. نکته اینجاست که بی‌رحمانه بودن و نبودن جنایت، شرایط روحی قاتل، انگیزه قتل و مانند آن نوعاً برای تصمیم نسبت به عفو، از سوی خانواده مقتول و تصمیم‌گیری آنان نسبت به قاتل، ملاحظه می‌گردد؛ علاوه بر این که تحمل و ظرفیت بزه‌دیده و صاحب حق، رعایت می‌شود و روشن است که بر فرض تراحم میان حق بزه‌دیده و لطف بر بزه‌کار باید حق بزه‌دیده مقدم شود.

نگاه احساسی و عاطفی جامعه به مجازات‌ها (آن هم فقط با ملاحظه هنجارشکنان، متجاوزان و جانپایان و غفلت از رعایت حال قربانیان و آسیب‌دیدگان) در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، می‌تواند در نوع مجازات تأثیرگذار باشد. از اینکه قرار باشد انسانی در معرض مجازات شدید قرار گیرد، احساسات در همه انسان‌های مسئولیت‌پذیر برانگیخته می‌شود و برای وی می‌گردد؛ اما تردیدی نیست که اهداف وضع مجازات‌ها، فراتر از تأثیرات آن بر عواطف و احساسات جامعه (آن هم به شکل یک سویه و در جانب جنایتکاران و مجرمان) است. اهدافی مانند ارباب مجرم و بازداشتن او از ارتکاب دوباره جرم، ارباب و جلوگیری آحاد جامعه از ارتکاب جرم، اصلاح و تربیت مجرم و کاهش تنش‌های روانی و جبران خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده در حد امکان نیز مورد نظر قانون‌گذار است. قانون‌گذار می‌بایست با توجه به همه عوامل تأثیرگذار در تعیین مجازات، به تشریح قوانین کیفری اقدام کند و مراقب باشد عواطف و احساسات یک سویه او مانع از تصمیمی عادلانه، عاقلانه و هدفمند نشود.

جزوه توجیهی سازمان عفو بین‌الملل از تعابیر عاطفی نسبت به جنایتکاران سرشار است؛ تعابیر دارای بار احساسی و عاطفی در مورد مرتکبان جرایم سنگین

و مجازات آنها^{۶۱} که به نظر می‌رسد مبنا قرار دادن این نوع نگاه، با مصالح جامعه، حقوق انسانی، عواطف بزه‌دیدگان و حتی مصالح کلان خود بزهکاران نیز مغایرت دارد. برخی از تعبیرات استفاده شده سازمان عفو عبارت است از: کشتن به نام عدالت^{۶۲}، قتل خونسردانه و قاسیانه^{۶۳}، نهایت انکار حقوق بشر^{۶۴}، غیر انسانی، نهایت ستمگری^{۶۵} و بی‌رحمی، تشبیه خوارکننده^{۶۶}، شکنجه و... این تعابیر، تمرکز بر روی طرف بزهکار است در حالی که به نظر می‌رسد سازمان مذکور باید میزان بازدارندگی مجازات‌ها در حفظ سلامت اجتماع و نیز وضعیت روحی و احساسی خانواده بزه‌دیده را نیز بررسی و ملاحظه می‌کرد.

۷. وضعیت اعدام شده در جهان بینی آخرت باور

بسیاری از مردم جهان به وجود جهانی و رای این دنیا باور دارند اما در نگاه سکولار، نه تنها در هیچیک از مناسبات اجتماعی به این باور توجه نمی‌شود، بلکه همچون کسی که منکر و مخالف وجود خداوند و جهانی دیگر است طراحی‌ها صورت می‌گیرد. حقوق سکولار با وجود آنکه ادعا می‌کند خنثی است اما در عمل خنثی نبوده و در آن بسیاری از قوانین، بر مبنای وجود نداشتن خداوند و آخرت وضع می‌شود. گرچه به نظر می‌رسد بدون باور به آخرت هم اهمیت بازدارندگی مجازات مرگ آن قدر برای کشته نشدن انسان‌های بی‌گناه اهمیت دارد که نمی‌توان

۶۱. جزوه مذکور با عنوان The Death Penalty, Questions and Answers تیرماه ۱۳۹۳ از این مسیر قابل دریافت است:

<http://www.amnesty.org/en/library/info/ACT50/010/2007>

62. in the name of justice.

63. cold - blooded killing.

64. ultimate denial of human rights.

65. ultimate cruel.

66. degrading punishment.

از آن صرف نظر کرد؛ اما از نگاه آخرت باور، وضعیت مقداری متفاوت است؛ چراکه اعدام قاتل، به معنای پایان زندگی او نبوده؛ بلکه مرحله دیگری از زندگی را در جهانی دیگر آغاز می‌کند. اگر قبل از مرگ، توبه حقیقی کرده باشد، بخشیده شده از دنیا می‌رود و اگر تا آخرین لحظه و با وجود لحظه شماری برای مرگ، توبه نکند (که البته بعید است)، یعنی فرصت رشد در دنیا برای او سودمند نبوده و به حکمی عادلانه، حکیمانه و عاقلانه به مرحله بعد منتقل می‌شود و حداقل اینکه از سقوط پیش‌تر (به ویژه در شرایط بد ناشی از زندان^{۶۷}) در امان خواهد بود. اگر بعد از ابراز پشیمانی بخشیده شود، آن بخشش (که در پی پشیمانی ممکن شده) می‌تواند در وی چنان تأثیری گذارد که شرمناک به سیر مادی و معنوی دنیا بازگردد.^{۶۸} روشن است در چنین وسعتی و با توجه به چنین حقیقتی، تشخیص اینکه چه چیزی بهتر است، بسیار پیچیده می‌باشد و عقل^{۶۹} و وحی که هر دو از

۶۷. ر. ک: ب. ۱۲. ۲. مقایسه آثار «زندان» با «قصاص».

۶۸. مناسب است پژوهش‌های حقوقی-جامعه‌شناختی دیگری برای رصد کردن این تحول بزرگ، تعریف و محقق گردد.

۶۹. بقره، آیه ۲۲: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّاءُ الَّتِي لَا يَعْقِلُونَ؛ بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند.»؛ الملک، آیه ۱۰: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ و می‌گویند: اگر ما سخن نبوش یا خردورز می‌بودیم در زمره دوزخیان نبودیم.»؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۲: «عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: هَبْطَ جِبْرِئِيلُ عَلَى آدَمَ (ع) فَقَالَ: يَا آدَمُ إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أُخِيرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَأَخْتَرْتَهَا وَدَعَا الثَّانِيَةَ فَقَالَ لَهُ آدَمُ: يَا جِبْرِئِيلُ وَمَا الثَّلَاثُ؟ فَقَالَ: الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالذِّينُ فَقَالَ آدَمُ: إِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ لِلْحَيَاءِ وَالذِّينِ: انصَرِفَا وَدَعَا فَقَالَ: يَا جِبْرِئِيلُ إِنَّا أَمَرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ: فَشَانِكُمَا وَعَرَجَ؛ حضرت جبرئیل بر حضرت آدم (ع) نازل شد و گفت: ای آدم من مأمور شده‌ام تا تو را منخیر کنم تا از میان سه امر یکی را برگزینی و دو تا را رها کنی. حضرت آدم (ع) گفت: آن سه چیست؟ حضرت جبرئیل گفت: عقل و حیاء و دین. حضرت آدم (ع) فرمود: من عقل را اختیار کردم. پس حضرت جبرئیل به دین و حیاء

جانب حضرت حق (جل و علی) بوده و منتج به احکام الهی است در این زمینه به کمک بشریت آمده است.

گویا پیش فرض بسیاری از کسانی که با مجازات اعدام و قصاص نفس مخالف هستند، انحصار حیات و وجود انسان در زندگی دنیوی و انکار زندگی پس از مرگ است. با چنین پیش فرضی مجازات مرگ مساوی با معدوم کردن حقیقت وجود انسان و نابودی کامل اوست، در حالی که با اعتقاد به جهان پس از مرگ، اعدام و قصاص نفس، چیزی جز قطع تعلق و ارتباط روح انسان از بدن مادی و آغاز زندگی جدید برای روح نیست. پس حداقل مطمئن هستیم مجازات مرگ در اندیشه مادی (یا سکولار که تبلور عملی اندیشه مادی در علوم انسانی است)، شدیدتر و بسیار دشوارتر از اندیشه معتقد به جهان پس از مرگ جلوه می کند و گویا جهان بینی مادی، نقش تأثیرگذاری در مخالفت بسیاری از معاصران، با قانون قصاص دارد. متأسفانه دنیای سکولار نه تنها از دیدن یا قبول این باورهای دینی عاجز است؛ بلکه سعی بسیار می کند تا حق طبیعی و الهی امت اسلامی را برای عمل کردن بر اساس نگرشی که آن را منطقی و عقلانی و حکیمانه یافته است مورد انکار قرار دهد و دیدگاه های خود را (هر چند غیر منطقی و غیر عقلایی) با انواع فشارها به دیگران تحمیل کند.

> گفت که حضرت آدم را ترك و وی را رها کنند. دین و حیاء گفتند: ای جبرئیل ما [از سوی حضرت حق] امر شده ایم که با عقل باشیم و هر کجا عقل هست حضور داشته باشیم [و هرگز تحت هیچ شرایطی عقل را رها نکنیم] حضرت جبرئیل فرمود [بسیار خوب] ملزم به آن باشید و عروج کرد. ۲؛ همان، ص ۱۱، ح ۶: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ کسی که عاقل است دین دار است و کسی که دین دار است داخل بهشت می شود.»؛ و در اخبار آمده که محبوب ترین خلق در نزد خدا عقل است و حضرت حق (جل و علی) چیزی برتر از عقل در بین بندگان، تقسیم نکرده است و کسی که عقل ندارد دین ندارد و اینکه حجت بین بندگان و خدا عقل است. ر. ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰-۲۹، كِتَابُ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۴-۲۰۹، باب ۸ بَابُ وَجُوبِ طَاعَةِ الْعَقْلِ.

۸. عفو در حق قصاص

یکی از زیباترین جلوه‌های حق قصاص، توصیه‌های اکید و تحسین برانگیز بر عفو در این حق است که نتیجه آن تحول بزرگ به سوی زیبایی‌هایی است که بر مجنی علیه، عفوکنندگان، جامعه بشری و جنایتکاری که مورد عفو قرار گرفته است آشکار می‌شود.

قصاص، حقی است برای مجنی علیه و ولی دم؛ از این رو صاحب حق قصاص می‌تواند مجرم را قصاص نکند؛ بلکه این حق را به دیه تبدیل کند و یا حتی می‌تواند جانی را مورد عفو مجانی قرار دهد. گزارش‌هایی از جلوه‌های سراسر احساس و طلب عفو در «لحظات بخشش جانی توسط خانواده مقتول» وجود دارد که در سراسر جهان امروز، بی‌نظیر است و در کمال تأسف، تلاش قابل قبولی برای انعکاس فرهنگی آن نشده است. در جامعه ما، حضور بزرگان، فرهیختگان، شخصیت‌ها، نویسندگان، هنرمندان، ورزشکاران و مانند آن نزد خانواده مقتول و خواهش از آنان برای عفو قاتل، تصویر انسانی و تقویت روحیه عفو و رحمت در جامعه است که به برکت طراحی حکیمانه در حقوق اسلامی حاصل شده و حیاتی دیگر برای جامعه است.

البته نکته مهمی که باید در اینجا یادآور شویم این است که وارد کردن فشارهای اجتماعی و اهانت به خانواده مقتول و قاتل خواندن آنان در موردی که حاضر به بخشش قاتل نیستند عملی نادرست و موجب از بین رفتن کارکرد بازدارنده قصاص می‌باشد و به نوعی حمایت از جنایتکاران و قهرمان کردن جانیان مجازات شده است. متأسفانه این رویکرد در برخی فعالان اجتماعی و خبرگزاری‌ها مشاهده شده که ناشی از نشناختن کارکردهای قصاص در حیات بخشی به فرد و جامعه است.

در هر حال تشویق به عفو به طور قابل توجهی در حق قصاص وجود دارد.

حضرت حق (جَلَّ وَعَزَّ) در آیه شریفه ۱۷۸ سوره بقره، بعد از بیان حکم قصاص نفس، به عفو اشاره می‌فرماید و در ضمن آن، رابطه «برادری» میان صاحب حق قصاص و عفو شده را مورد تصریح قرار می‌دهد (برادر دانستن قاتل از سوی خانواده مقتول که مورد عفو آنان قرار گرفته بسیار اعجاب برانگیز است) و از این طریق، فضای پرمحبت و امن انسانی و الهی را که با جنایت مخدوش شده است به جامعه بر می‌گرداند:

فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ
مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ؛ ۷۰

و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت و] احسان، [خونبها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست.

همچنین در قرآن کریم علاوه بر اینکه بر ظلم و تجاوز از این حق، هشدار شدید داده شده به عفو و صبر و رحمت در آن، ترغیب و تشویق فراوان شده است:

وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ
بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ...؛ ۷۱

و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد و زخم‌ها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند. و هر که از آن [قصاص] گذشت کند، پس آن، کفاره گناهان او خواهد بود. و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرانند.

۷۰. بقره، آیه ۱۷۸.

۷۱. مائده، آیه ۴۵.

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَمَا قَبُولَا بِمِثْلِ مَا عُوِّقْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ^{۷۲}؛
و اگر [در موارد قصاص و نحو آن خواستید] عقوبت کنید پس به مانند آنچه
مورد تعدی قرار گرفته اید عقوبت نمایید، و حتماً اگر صبر کنید [به کلی
بخشید یا تخفیف دهید] بی تردید آن برای صبرپیشگان بهتر است.

وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ^{۷۳}؛

و مجازات هر بدی، بدی ای است همانند آن. پس اگر کسی عفو کند و [میان
خود و خدا و خود و طرف خود را] اصلاح نماید پاداش او بر عهده خداست، حقاً
که او ستمکاران را [ابتداءً کنندگان به بدی و متجاوزان در کیفر را] دوست ندارد.
حتی اسلام عزیز، تشویق بر گذشت و رحمت را تا جایی توسعه و ارتقا
می دهد که می فرماید:

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ^{۷۴}؛

و هرگز امر نیک [از اعتقاد و کردار و گفتار] با امر بد یکسان نیست [پس
بدی هایی را که به تو می رسد] با بهترین روش دفع کن، به طوری که به ناگاه
آنکه میان تو و او دشمنی است [چنان شود که] گویی دوستی گرم و
خویشاوند است.

در کلام نبی رحمت و مکرم اسلام (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز
توصیه و تشویق به عفو، گذشت، احسان، عدم مقابله به مثل در بدی ها و بلکه دفع
نازیبایی ها با حسنات و زیبایی ها، به روشنی و در حد کمال دیده می شود.^{۷۵}

۷۲. نحل، آیه ۱۲۶.

۷۳. شوری، آیه ۴۰.

۷۴. فصلت، آیه ۳۴.

۷۵. ر. ک: حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۱۹، باب ۵۷، باب أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلْوَلِيِّ
الْعَفْوُ عَنِ الْقِصَاصِ أَوْ الصَّلْحُ عَلَى الدِّيَةِ أَوْ غَيْرِهَا.

این عفو و گذشت زمینه ای می شود تا قاتل جنایتکار به موجودی انسانی تبدیل گردد و به وسیله توبه از قعر درنده خوئی «من قتل نفساً... فکأنما قتل الناس جميعاً؛ کسی که نفسی را به قتل برساند... چنان است که گویی همه انسانها را کشته است»^{۷۶} خارج شود و به اوج قله های انسانی و محبوب شدن حضرت حق صعود کند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را دوست دارد»^{۷۷}؛ «الْأَمَنُ تَابٌ وَأَمِنْ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می کند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است»^{۷۸}؛ بنابراین می تواند موجب حیاتی دیگر در او شود.

نکته مهم دیگر این است که چون انتخاب قصاص و عفو، متعلق به صاحبان حق قصاص است و آنها هستند که باید در مورد مجازات مجرم، تصمیم بگیرند، این امر زمینه ساز رشد اخلاقی برای آنان می شود؛ زیرا هر پدیده ای که مبتنی بر اراده آزاد انسان باشد و وی در آن حق انتخاب داشته باشد، می تواند زمینه و مقدمه ای برای تعالی اخلاقی او شود. عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در کلام زیبای حضرت حق که فرمود «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» می تواند اشاره ای حکیمانه به این تحول ممکن برای مجنی علیه و اولیای دم نیز باشد.

۹. ارزیابی عنصر مادی و معنوی حق قصاص از منظر فلسفه حقوق

تردیدی نیست که در حق قصاص، میان نفس مجازات و عنصر مادی عمل

۷۶. مائده، آیه ۳۲.

۷۷. بقره، آیه ۲۲۲.

۷۸. فرقان، آیه ۷۰.

مجرم، تناسب کامل وجود دارد؛ اما آنچه مورد اشکال مخالفان است ناعادلانه بودن مجازات با در نظر گرفتن عنصر معنوی و روانی جرم است؛ زیرا مجرمان از جهت عنصر معنوی جرم و شرایط درونی و بیرونی تاثیرگذار بر آنان با یکدیگر متفاوتند؛ به گونه ای که در میان آنها دو مورد مشابه که از هر جهت مانند هم باشند یافت نمی شود. این شرایط در قضاوت اخلاقی انسان ها نسبت به میزان مذمت و تقصیر مجرم، تاثیرگذار است و همین امر موجب می شود که وجدان اخلاقی انسان ها در صورت اطلاع و اشراف کامل بر همه ابعاد این شرایط در مجرمان، نسبت به هر یک قضاوت متفاوتی داشته باشد. این بدان سبب است که در اخلاق، جزئیات خاص در هر مورد، به شکل شخصی دیده می شود و با کم ترین تغییر در فرد و موقعیت او، قضاوت اخلاقی در مورد رفتار او نیز می تواند تغییر کند. اما قانون به سبب حفظ نظم و ثبات در مقررات حاکم بر جامعه و روابط میان حکومت و مردم و نیز جلوگیری از سوء استفاده و بهانه تراشی های بی مورد متخلفان، ناچار است از این نگاه خاص و شخصی دست بردارد و مبنای قضاوت را بر اساس افراد به شکل نوعی (و نه شخصی)، پایه ریزی کند. چنین رویکردی در قضاوت های حقوقی، هرچند از دقت آن نسبت به قضاوت اخلاقی می کاهد، اما در برقراری نظم و ثبات در جامعه کارآمدتر است. در عین حال قوانین حقوقی می بایست مبتنی بر اصول اخلاقی و سازگار با آنها باشد.

حق قصاص یک ضابطه و قانون حقوقی است و همچون سایر قوانین حقوقی می بایست بر اساس قواعد عام پایه ریزی شود. در عین حال این قانون در اسلام با حفظ عمومیت، با اصول اخلاقی نیز سازگار است. قانون گذار در اسلام کوشیده است در تشریح مقررات مربوط به حق قصاص راه میانه ای را پیموده و از افراط و تفریط پرهیز کند. اسلام از سویی میان مهم ترین عوامل تاثیرگذار در عنصر معنوی جرم که شکل دهنده به قصد و اراده مجرم است و موجب دگرگونی کامل قضاوت

اخلاقی در مورد او می شود، فرق نهاده و قوانین متفاوتی را برای قصد عمد، شبه عمد و خطا وضع کرده است و قصاص را فقط در فرض اول (یعنی جنایت عامدانه و ظالمانه) جایز می داند. از سوی دیگر، با پرهیز از تأثیر شرایط جزئی آحاد مجرمان در وضع قوانین مربوط به جنایت، نظم و ثبات در قوانین را که موجب انضباط جامعه می شود، تأمین کرده است.

بنابراین قانون گذار در اسلام در مقام بیان قانون قصاص از اصول اخلاقی غفلت نکرده و آن دسته از اصول اخلاقی را که اهمیت بیش تری دارند و شکل حقوقی دادن به آنها، به نظم و انسجام قانون لطمه نمی زند ضمیمه قانون کرده و به عنوان قیود قانونی ذکر کرده است. در عین حال، سایر اصول اخلاقی را نیز از نظر دور نداشته و در مقام بیان قوانین جزائی، شیوه های پسندیده اخلاقی را نیز به طرفین دعوا یادآور شده است.

۱۰. مقایسه حق قصاص با انتقام جویی های زنجیره ای

گاه گفته می شود کشتن یک انسان برای مجازات، موجب ایجاد مجدد حس انتقام و خشونت شده و زمینه ساز خشونت ها و قتل های زنجیره ای دیگر می شود؛ لکن این اشکال جایی در قانون قصاص ندارد؛ زیرا با اجرای قصاص، حق قصاص دیگری به وجود نمی آید تا پیوسته این سلسله خون خواهی به شکل زنجیره ای ادامه یابد؛ بلکه امری که موجب خشونت و تجدید قتل و جنایت است خون خواهی برخاسته از حس انتقام جویی رایج میان جوامع جاهلی و بدوی - اعم از مدرن و غیر مدرن آن - است. در میان این گونه جوامع، اعمال شخصی یا گروهی مجازات، همراه با انتقام، تحقیر و در بسیاری از موارد فراتر از حد قصاص و گاه به شکل فجیع و به قصد اثبات برتری گروه، قبیله و نژاد، موجب پدید آمدن حس انتقام گیری دیگری در طرف مقابل می شود و این سلسله خون خواهی پیوسته ادامه می یابد.

حق قصاص نه تنها مصداق چنین سنت ناپسندی نیست، بلکه آن را نفی می‌کند؛ زیرا با حاکمیت حق قصاص در جامعه و پذیرش آن میان آحاد مردم، حس انتقام‌گیری برای آشنایان و خانواده قاتلی که به مجازات قصاص رسیده بی‌مورد است و آنان نیز پذیرفته‌اند که قاتل، مستحق قصاص بوده است؛ همچنین به اولیای دم، اجازه داده نمی‌شود تا از حد قانونی خود تجاوز نمایند و به شکل فجیع و یا همراه با آزار و شکنجه و تحقیر، دست به انتقام زنند و از حق قصاص، تجاوز کنند. ۷۹ از همه مهمتر اینکه در اسلام قتل و جنایت، در بسیاری از موارد حتی با استیفای حق قصاص نیز پاسخ داده نمی‌شود؛ بلکه جانی مورد عفو و رحمت الهی از سوی صاحب حق قصاص قرار می‌گیرد.

۱۱. مقایسه حق قصاص با مجازات‌های جایگزین

حذف قصاص از نظر هیچ کشوری به معنای حذف مجازات نیست؛ بلکه بدون استثنا، جایگزینی برای آن در نظر می‌گیرند. در این بخش برای جمع‌بندی نکات، به مقایسه مجازات‌های جایگزین شده قصاص در حقوق کیفری جهان امروز می‌پردازیم تا از این رهگذر، دقت‌ها و تعالی مجازات اسلامی قصاص بیش‌تر روشن شود. مجازات‌های شایع و معمول برای جنایت قتل، به جای قصاص، عبارت است از: اعدام و زندان‌هایی که ابد و یا طولانی مدت است. این دو مورد را در دو مبحث با حق قصاص، مقایسه می‌کنیم:

الف. تفاوت «اعدام» با «حق قصاص»

قبل از ورود به این بحث باید توجه داشت که موضوع نقد ما در اینجا مجازات

۷۹. برای نمونه ر. ک: مواد ۴۳۶ تا ۴۳۹ و ۴۴۱ تا ۴۴۳ و ۴۴۵ و ۴۱۸ و ۴۲۰ و ۴۲۱ ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲.

«اعدام» در قوانین عرفی و بشری به جای «حق قصاص» در اسلام است نه نقد سایر اعدام‌ها در قوانین عرفی و بشری اگرچه سایر اعدام‌هایی که در قوانین غیر اسلامی کشورهای غربی و غیر غربی وجود دارد نیز قابل نقد و چالش جدی است؛ لکن جایگاه اصلی طرح آن در این کتاب نیست و بایسته است در کتاب حدود به آن پرداخته شود و احکام و تفاوت‌ها و مزایای بی بدیل و حکیمانه و عقلانی حدود به جای این اعدام‌ها به شکل مبسوط بیان گردد.^{۸۰}

یک. بازگشت بزهکار به جامعه

بر اساس قانون اعدام، بازگشت بزهکار به جامعه پس از تحقق جنایت، ناممکن است. جانی پس از اقدام به قتل می‌داند که مجازات اعدام، مجازات قطعی اوست و برای برون رفت از این مجازات حتی به صورت احتمالی، راهی ندارد. از سوی دیگر وی می‌داند که با انجام هر جنایت دیگری، وضعیت او تغییر نخواهد کرد و اشد مجازات (اعدام) در کمین اوست؛ لذا پس از قتل اول، در بسیاری از موارد علی‌رغم عذاب وجدانی که پس از جنایت اول پدید آمده است، انگیزه‌ای برای بازگشت به جامعه و فضای انسانی ندارد و حتی ممکن است برای فرار از مجازات و یا با انگیزه‌های دیگر، دست به جنایات و قتل‌های بیش‌تری بزنند و بر تنفر وی از افراد و جامعه افزوده شود و ناامنی و جنایت تشدید گردد.

برخلاف قانون اعدام و مطابق قانون قصاص، جانی پس از اقدام به قتل و عذاب وجدان در پی آن، امید به بخشش از سوی اولیای دم دارد و همین امر^{۸۰}. چنان‌که پیشتر اشاره شد جرم‌های سنگینی که اسلام برای آنها اعدام حدی، قرار داده است با اعدام در سایر نظام‌های حقوقی دنیا، از لحاظ کیفی و کمی بسیار متفاوت است. احکام اعدام حدی در اسلام برخلاف احکام اعدام در سایر نظام‌های کیفری دنیا، بسیار محدود و دارای شرایط سخت اثبات است و در همین مقدار بسیار کم نیز از امکان بخشش بسیار و راهکارهای اصلاح مجرم و برگشت او به جامعه انسانی و تعالی، برخوردار است. برای ملاحظه اجمالی این بحث ر. ک: ذیل ب. ۱. ویژگی‌های حق قصاص.

می تواند از تقابل و تنفر او نسبت به افراد و جامعه بکاهد و مانع برانگیخته شدن حس انتقام از دیگران و جنایت های بعدی در او شود؛ علاوه بر اینکه وی می داند به هر مقدار بر جنایاتش افزوده شود، احتمال بخشش در صاحبان حق قصاص کاهش می یابد و لذا نوعاً دست به جنایت های بعدی نخواهد زد. پس از دستگیری اگر جانی مطابق توصیه های اکید اسلام، مورد عفو قرار گیرد، همگان از حیات مادی و معنوی ناشی از حق قصاص، منتفع می شوند و چنانچه مورد بخشش قرار نگیرد و قصاص شود، دیگران و جامعه، قبل و بعد از اجرای قصاص در ناامنی و آسیب کم تری از سوی جانی بالفعل و جانیان بالقوه قرار می گیرند و این نیز توسعه ای دیگر در حیات است که ناشی از حق قصاص است. آیه شریفه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا اُولِي الالباب لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» می تواند اشاره ای بر این امر حیاتی باشد.

دو. پذیرش عفو شده از سوی جامعه

با توجه به اینکه در قانون قصاص، حق عفو برای صاحب حق قصاص وجود دارد، هنگامی که بزهکار، مورد عفو بزه دیده یا اولیای دم قرار می گیرد و به جامعه بر می گردد، فضای عفو می تواند روابط بین اطراف دعوا و وابستگان آنان (خانواده مقتول) را تلطیف کند و مانع از ایجاد حقد و کینه و آتش انتقام، بلکه مانع تحقیر شدن بزهکار در جامعه شود؛ زیرا همه حس می کنند مجرم، تا پرتگاه مرگ رفته است و هنگامی که از سوی صاحبان این حق، مورد عفو قرار گرفته است، دیگران آسان تر باید بتوانند او را در میان خود بپذیرند و وی را ببخشند. شاید واژه «حیوة» و عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در کلام زیبای حضرت حق که فرمود: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا اُولِي الالباب لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» اشاره ای حکیمانه به این امر نیز باشد.

سه. تنش های روانی بازماندگان مقتول

از آنجا که در قانون قصاص، مجنی علیه و اولیای دم تصمیم گیرنده اصلی و سرنوشت ساز در امر قصاص هستند، اگر جانی قصاص شود، با اراده آنان این امر

محقق شده است و لذا موجب تشفی خاطر بیش تری در آنها و خاموش شدن حس انتقام و بغض آنان خواهد بود و چنانچه آنان بزهکار را مورد عفو و رحمت قرار دهند، احساس رضایت و عمل کریمانه، آثار جنایت را به مقدار زیادی در روح و روان بزه دیده و وابستگان وی کاهش می دهد، در حالی که ممکن است در مجازات اعدام، خانواده مقتول، هنوز حق انتقام از خانواده جانی را برای خود محفوظ بدانند.

چهار. تأثیرات عفو بر بزهکار

عفو از سوی بزه دیده یا اولیای دم، موجب شرمندگی و اصلاح بزهکار خواهد بود و بسیار بعید است که وی برای بار دیگر دست به قتل بزند؛ زیرا مدتی را در آستانه مرگ گذراندن، تذکر و تنبه بزرگی است؛ به ویژه اینکه او به شکل عقلایی می داند که ارتکاب جنایت عمدی دیگری پس از این عفو، احتمال بخشش را از سوی صاحب حق به شدت کاهش می دهد؛ لذا خویشتن داری بیشتری می کند و آرامش و امنیت در فرد و جامعه گسترده تر و پایدارتر خواهد بود.^{۸۱} شاید واژه «حیوة» و عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در کلام زیبای حضرت حق که فرمود «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» اشاره ای حکیمانه به این امر نیز باشد.

حق قصاص که همراه با ترجیح و تشویق صاحب حق به عفو از آن است، در حد امکان، حقوق بزه دیده، بزهکار و جامعه را با هم تأمین می کند و این حقوق با هم و به شکل حداکثری رعایت می شود؛ بر خلاف حکم اعدام که در بهترین

۸۱. بر اساس این نکته و نکاتی که در مقایسه با مجازات زندان بیان خواهد شد باید توجه داشت که مقرر کردن زندان های طولانی مدت و قرار دادن تعزیر سنگین برای قاتل عفو شده، خاصیت حیات بخش قصاص را از بین می برد، بلکه در واقع، این امر، تبدیل حقیقت حیات بخش حق قصاص به یکی از دو مجازات غیر اسلامی و پراز مفسده در باب جنایات (یعنی زندان های طولانی مدت و اعدام حتمی) است که باید از این امر غیر عقلایی و نامشروع به شدت احتراز شود.

وضعیت، فقط مقداری از حقوق جامعه و بزه دیده در آن تأمین می شود.

پنج. آثار ناخواسته اعدام قطعی

در قانون اعدام، جایی برای اختیار اولیای دم و مجنی علیه وجود ندارد و قاتل در هر صورت با رأی دادگاه اعدام می شود. این اعدام گاه نه تنها توان جبران جنایت و آثار سوء عمل جانی را ندارد، بلکه آسیب بیش تری را بر مجنی علیه و اطرافیان او و جامعه تحمیل می کند. برای مثال اگر قاتل و مقتول از یک خانواده باشند و یا از لحاظ عاطفی، اجتماعی و مانند آن بسیار به هم نزدیک و وابسته باشند؛ نظیر آنکه برادری در عصبانیت لحظه ای، برادر خود را به قتل برساند و یا زنی، همسر خود را در این صورت، اگر بزهکار به شدت پشیمان و مورد علاقه و محبت خانواده بزه دیده باشد و یا به هر دلیل دیگری نخواهند اعدام شود راهی وجود ندارد و در این صورت، نه تنها اعدام بزهکار، مشکلی را حل نمی کند، بلکه این امر، خانواده بزه دیده را دچار رنج مضاعف عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن می کند. با اعدام جانی گاه فرزندان مجنی علیه علاوه بر از دست دادن پدر، از نعمت مادر نیز محروم می شوند و یا والدین مقتول، فرزند دوم خود را نیز از دست می دهند. برخلاف حکم عادلانه، حکیمانه و رحیمانه قصاص که تصمیم در این امر به بزه دیده و اولیای دم (یعنی کسانی که نوعاً بیش ترین آسیب را از جنایت دیده اند) سپرده شده و حضرت حق (جل و علی) امکان عفو از سوی آسیب دیدگان را در آن قرار داده است. «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ». ^{۸۲} و ظاهراً این باز مصداق دیگری از حیات مورد اشاره در «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» است.

ب. مقایسه آثار «زندادان» با «حق قصاص»

دنیای غرب، زندان‌های طولانی مدت، ابد و گاه همراه با اعمال شاقه را به عنوان بخش اصلی مجازات‌های کیفری توصیه و به شدت بر آن پافشاری می‌کند^{۸۳}. می‌خواهیم نشان دهیم حق قصاص در مقایسه با زندان (که البته معمولاً در جرم‌های مشابه، مدت آن بسیار طولانی یا ابد می‌باشد) دارای آسیب کمتری است؛ بلکه زندان دارای آثار وحشتناکی است که در بسیاری از موارد غیر قابل جبران است. این نکته کلیدی را نیز نباید فراموش کرد که اگر بازدارنده تر بودن قصاص را بپذیریم، با قصاص یک انسان، احتمال آنکه چندین انسان به زندان ابد دچار نشوند، بسیار قابل توجه است. بنابراین در حقیقت باید آثار قصاص یک نفر را با آثار زندان ابد چندین انسان مقایسه کنید (یک به چند)؛ هر چند در اینجا آثار زندان و قصاص را تنها در حالت یک به یک مقایسه کرده ایم.

همچنین باید توجه داشت بسیاری از نکاتی که در بخش (تفاوت‌های «اعدام» با «حق قصاص» گذشت و برتری‌های حق قصاص نسبت به اعدام را روشن کرد، برای مقایسه «حق قصاص» با «زندادان» و نشان دادن برتری‌های این حق، نسبت به زندان نیز قابل توجه و کاراست؛ لکن از ذکر آنها در این بخش (تفاوت‌های «زندادان» با «حق قصاص» پرهیز می‌شود و فقط به نکات جدید و اضافه بر آن پرداخته خواهد شد.

تفاوت آثار و تبعات مجازات زندان با آثار و تبعات حق قصاص و مزایای حق قصاص بر زندان، عبارت است از:

۸۳. نظیر قانون مجازات فرانسه، ماده ۱- ۲۲۱: عملی که به طور ارادی منجر به مرگ دیگری شود جرم قتل به شمار آمده و مستوجب ۳۰ سال حبس جنایی با اعمال شاقه است.
- ماده ۲- ۲۲۱: قتل که همراه با، یا در پی جنایت دیگری ارتکاب یافته باشد مستوجب حبس جنایی دائم با اعمال شاقه است.
- ماده ۳- ۲۲۱: قتل ارتكابی همراه با سبق تصمیم قتل عمد به شمار می‌آید و مستوجب حبس دائم با اعمال شاقه است.

یک. تبعات زندان برای خانواده زندانی

زندان، مجازاتی به شدت، غیر شخصی است. این مجازات علاوه بر بزهکار، در بسیاری از موارد، نزدیکان و خانواده وی را نیز به شکل غیرانسانی، تحت فشار قرار می دهد. ظاهراً بر همین اساس است که زندان در نظام کیفری اسلام از امور نادر و استثنایی است^{۸۴} و لذا باید مراقب بود که حتی در تعزیرات، این مجازات به شکل نادر و استثنایی مورد استفاده قرار گیرد، نه به شکل گسترده و فراوان و نه به عنوان یک مجازات پایه و اساسی در نوع تخلفات، آن چنان که در دنیای غرب بر آن تأکید و اصرار می شود.

از جمله فشارها و مجازات های غیر شخصی و غیرانسانی در مجازات زندان آن است که این مجازات در بسیاری از موارد برای مدت بسیار طولانی، همسر جانی را از شوهر، محروم می نماید و وی را مجبور می کند تا تمام یا بیش تر جوانی و عمر خود را در محرومیت عاطفی و به دور از مواهب و حمایت های همسر به سر برد. چنانچه زن بخواهد از شوهر قاتل خود جدا شود تا همسر دیگری اختیار کند تحت عذاب و جدان و فشارهای احتمالی خانواده و جامعه قرار می گیرد و باید اتهام خودخواهی، بی وفایی و مانند آن را به دوش کشد و چنانچه بخواهد به

۸۴. البته گاه بین واژه «حبس» و واژه «سجن» خلط شده و «حبس» در کلمات معصومین (ع) به غلط، زندان (سجن) معنا شده که ممکن است این توهم را ایجاد کند که زندان در اسلام یک مجازات شایعی است؛ لیکن باید توجه داشت که بین زندان (سجن) با «حبس» تفاوت های اساسی وجود دارد. برخلاف آن چه در زندان (سجن) مقصود می باشد و کارکرد آن به عنوان کیفر و مجازات مورد ملاحظه است؛ «حبس» بازداشت و ایجاد نوعی محدودیت است که مقصود اولی از آن، مراقبت از جامعه و جلوگیری از آسیب رساندن محبوس به خود و دیگران است نه وسیله ای برای مجازات و کیفر او. این حبس می تواند در خانه، محل کار و زندگی محبوس باشد بدون آنکه موجب محرومیت او از حقوق انسانی و اولیه اش گردد و تا حد امکان، بهره مندی حداکثری وی از زندگیش حفظ شود.

همین نحو ادامه دهد، با فشارهای عاطفی، روحی، اجتماعی، اقتصادی و شرمندگی از جانی و زندانی بودن همسر مواجه است؛ بدون آنکه در بسیاری از موارد، نقشی در قتل و جنایت او داشته باشد.

فرزندان قاتل از دیگر کسانی هستند که در بسیاری از موارد از زندانی بودن طولانی و پر از حقارت پدر، دچار آسیب شدید خواهند شد؛ اینان از یک طرف در عمل از نعمت وجود پدر، محروم هستند و از طرف دیگر ملازم رنج اند و باید شرمندگی در زندان بودن پدر و جانی بودن او را همواره به دوش کشند و با این مشخصه تحقیرآمیز در میان بستگان، اطرافیان و جامعه شناخته شوند.

در حق قصاص اگر بزهکار بخشیده شود، بخشش وی آسیبی به دیگران وارد نمی‌کند؛ بلکه پدر را به فرزندان و فرزندان را به والدین و همسر را به همسر باز می‌گرداند و همه اینها با عفو و رحمت و تکریم، همراه است نه با ذلت و حقارت و تحقیر. و چنان چه قصاص اجرا شود، آسیب‌هایش بسیار کم‌تر و غیر قابل قیاس با آسیب‌های زندان طولانی بر اطرافیان خواهد بود و حداکثر آن است که فرزندان جانی، پدر از دست داده‌اند (که البته این هم آسیب کمی نیست اما مقایسه نسبی مورد نظر است). در گذر زمان اصل جریان و انتساب آنان به جنایت و جنایتکار به فراموشی سپرده می‌شود؛ نه اینکه فرزندان در هر لحظه، پدری داشته باشند که به قتل و جنایت، متصف است و محروم از پاسخ به نیازهای اولیه انسانی و حتی حیوانی در گوشه‌ای از زندان، ذلیلانه و حقیرانه در حال پوسیدن باشد؛ همسرش با گذشت زمان و یا با مهاجرت و نقل مکان، می‌تواند ازدواج کند و زندگی دوباره‌ای را آغاز کند و پس از مدتی همه رنج‌ها و حقارت‌ها به‌بوته فراموشی سپرده شود. وضع برای سایر وابستگان وی نیز مشابه همین خواهد بود.

زندان حتی امکان و فرصت فراموشی و خلاص شدن از این رنج و حقارت را در گذر زمان، نیز به اطرافیان نمی‌دهد.

دو. تأثیرات اخلاقی و روانی زندان بر زندانی

مجازات زندان برای خود جانی نیز مجازاتی غیرانسانی و ظالمانه است. در تمام مدتی که او در زندان به سر می‌برد، نیازهای انسانی، عاطفی، محبتی و جنسی اش در نظر گرفته نمی‌شود و به طور مستمر، سرکوب و یا به صورت غیرمشروع و خارج از کارکرد طبیعی ارضا می‌شود و نوعاً موجب آسیب و سقوط بیش تر و دور شدن او از مرزهای انسانی و الهی می‌گردد.

امید است با فهم فلسفه حقوق اسلامی بتوان راهکارهایی برای زدودن یا کاهش زندان و افزایش سطح زندگی انسانی و اخلاقی یافت. برخی از آسیب‌هایی که زندانی در معرض آن می‌باشد عبارت است از:

۱. تجاوز جنسی در زندان

تجاوزهای جنسی در زندان‌ها، به عنوان یکی از مشکلات جدی زندان مطرح است. مقصود از تجاوز جنسی، ارتباطات جنسی آگاهانه و مخفیانه زندانیان (که البته این هم از آسیب‌های اخلاقی قابل توجهی است) نمی‌باشد؛ بلکه مقصود، تعرض جنسی با خشونت و زور و در غالب موارد با وارد کردن آسیب‌های جسمی به زندانی است. برای نمونه در کشور آمریکا، در سال ۲۰۰۳ تحقیقی انجام شد که موجب شد از سال ۲۰۰۴ تاکنون آمارهای مربوط به تجاوز جنسی در زندان‌های این کشور ثبت و پایش گردد. ۸۵ مؤسسه ملی اصلاح آمریکا، ۸۶ وزارت دادگستری ۸۵. پایگاه اداره آمریکا دادگستری آمریکا، طی گزارشی با عنوان:

”Sexual Victimization Reported by Adult Correctional Authorities“ تیرماه

۱۳۹۳ که از آدرس ذیل قابل دریافت است:

<http://www.bjs.gov/indes.cfm?ty=pbdetail&iid=4882>

۸۶. مؤسسه ملی اصلاح آمریکا (the National Institute of Corrections) به آدرس اینترنتی

<http://nicic.gov>

آمریکا^{۸۷} و اداره آمار دادگستری آمریکا^{۸۸} از جمله مراکزی هستند که در این زمینه فعالیت می‌کنند. تا آنجا که مرکز ملی جلوگیری از تجاوزات جنسی در زندان‌های آمریکا،^{۸۹} به طور تخصصی در این زمینه به ارائه اطلاعات مبادرت می‌کند. بر اساس مدارک اداره آمار دادگستری آمریکا تعداد تعرضات جنسی ادعا شده از ۶۲۴۱ مورد در سال ۲۰۰۵ به ۸۷۶۳ مورد در سال ۲۰۱۱ افزایش ۳۳ درصدی یافته است. تعداد تجاوزهای جنسی اثبات شده نیز در سال ۲۰۱۱ نسبت به موارد مشابه در سال ۲۰۰۵ به مقدار ۱۷ درصد افزایش یافته است.^{۹۰} طبق برآورد همین مستند، ۴۴ درصد این موارد با زور فیزیکی و بقیه از طریق خوراندن دارو، الکل، فریب و دیگر روش‌ها انجام شده است.^{۹۱} طی تحقیقی که در دانشگاه داکوتای جنوبی در آمریکا انجام شده است، از جامعه آماری ۱۷۸۸ زندانی، ۴ درصد در سه سال اخیر و ۷ درصد در طول مدت زندانی خود، حداقل یک بار قربانی تجاوز جنسی شده‌اند؛ ۱۶ درصد گفته‌اند که در بند جاری آنان چنین اتفاقی افتاده و ۲۱ درصد اظهار کرده‌اند که درگیری با تماسی جنسی به اجبار را تجربه کرده‌اند.^{۹۲}

۸۷. وزارت دادگستری آمریکا (US Department of Justice) به آدرس اینترنتی www.justice.gov

۸۸. آدرس اینترنتی <http://www.bjs.gov>

۸۹. مرکز ملی جلوگیری از تجاوزات جنسی در زندان (PREA Resource Center) به آدرس

اینترنتی: <http://www.prearesourcecenter.org>

۹۰. پایگاه اداره آمریکا دادگستری آمریکا، طی گزارشی با عنوان

Sexual Victimization Reported by Adult Correctional Authorities, 2009-11

صفحه اول که در سال ۲۰۱۴ منتشر شده و تیرماه ۱۳۹۳ از آدرس ذیل قابل دریافت است:

<http://www.bjs.gov/indes.cfm?ty=pbdetail&iid=4882>

۹۱. همان.

۹۲. مقاله‌ای با عنوان: Sexual Coercion Rates In Seven Midwestern Prison Facilities

For Men نویسندگان: David Struckman - Johoson و Cidny Struckman - Johnson

آسیب‌های مادی تحمیلی بر ایالات متحده آمریکا به دلیل تجاوزهای جنسی در زندان‌های این کشور، سالیانه ۵۲ میلیارد دلار برآورد شده است. فهرست برخی از این آسیب‌ها به شرح ذیل بیان شده است: آسیب‌های ذهنی، آسیب‌های پزشکی، اختلال در کارکرد، کاهش شاخص‌های کیفیت زندگی، انتقال بیماری‌های مقاربتی، بارداری ناخواسته، اقدام به خودکشی، هزینه‌های دادرسی و ...^{۹۳}. درباره مشکلات جنسی به این نکات توجه شود که ترس و ناامنی از در معرض تعرض بودن و نیز ارتباطات جنسی دوطرفه که جزو تجاوزهای جنسی محسوب نمی‌شود و از این آمارها خارج می‌باشد اما در نگاه ما موجب سقوطهای اخلاقی و شاخصه ناسلامتی جنسی است، همگی وضعیت‌های وحشتناکی است که در زندان‌های به اصطلاح پیشرفته امروز با وجود همه کنترل‌ها و توجه‌ها اتفاق می‌افتد.

۲. خودکشی در زندان

خودکشی زندانیان نیز، یکی دیگر از مشکلات جدی و قابل توجه در زندان‌هاست که با توجه به اینکه محیط زندان محیطی کنترل شده بوده و هزینه‌های قابل توجهی برای کاهش تنش‌های منجر به خودکشی صرف می‌گردد، نشان از فشارهای روحی قابل توجه بر زندانیان دارد.

در دو کشور برآورد شده قاره اقیانوسیه، حدود یک پنجم مرگ و میرها در

> منتشر شده در مجله The Prison جلد ۸۰، شماره ۴، دسامبر ۲۰۰۰، صفحات ۳۷۹-۳۹۰، صفحه اول انتشارات Sage. مقاله یاد شده از مسیر ذیل قابل دریافت است.

<http://www.justdetention.org/pdf/struckman.pdf>

۹۳. مستند راهکارهای علیه تجاوز جنسی در زندان‌های آمریکا صفحه دوم که در تاریخ ۱۷ می ۲۰۱۲، توسط وزارت دادگستری آمریکا، اداره برنامه ریزی دادگستری تولید و تیرماه ۱۳۹۳ از آدرس ذیل قابل دریافت است:

<http://oip.org/documents/gsh/pdfs/pred-Viapdf>

زندان، از طریق خودکشی زندانی اتفاق می افتد. در ۱۷ کشور منطقه شمال غرب و جنوب غرب اروپا، حدود یک چهارم مرگ های زندان، در اثر خودکشی اتفاق می افتد. بر اساس متوسط گیری نامتقارن از پنج منطقه دنیا، در هر ۱۰۰ هزار نفر زندانی ۴۳ نفر خودکشی می کنند در حالی که از هر ۱۰۰ هزار انسان در دنیا به طور متوسط ۱۶ نفر خودکشی می نمایند؛ یعنی خودکشی در زندان، تقریباً ۳ برابر بیش تر اتفاق می افتد. ۹۴ در سال ۲۰۱۱، ۵/۵ درصد مرگ ها در زندان های فدرال آمریکا، در اثر خودکشی بوده است و خودکشی، علت ۳۵ درصد از مرگ ها در زندان های محلی برآورد شده است. ۹۵ در بازه سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، ۲۹ درصد مرگ های اتفاق افتاده در حبس، در اثر خودکشی بوده است. ۹۶

۳. قتل در زندان

در برخی مناطق جهان، آمار قتل های زندان نیز قابل تأمل است. در قاره آمریکا حدود یک سوم از مرگ های زندان، حاصل قتل است. ۹۷

۹۴. مطالعات جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، صفحه ۹۷؛ تیرماه ۱۳۹۳ قابل دریافت از پایگاه رسمی این دفتر و از آدرس:

http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_GLOBAL_HOMICIDE_BOOK_web.pdf

۹۵. مدرك رسمی اداره آمار وزارت دادگستری آمریکا با عنوان Mortality in Local Jails and State Prisons, 2000_2011، انتشار آگوست ۲۰۱۳ - صفحات ۷ و ۱۹ - این مدرك در تیرماه ۹۳ بر آدرس ذیل موجود بود:

<http://www.bjs.gov/content/pub/pdf/mljsp0011.pdf>

۹۶. مدرك رسمی اداره آمار وزارت دادگستری آمریکا با عنوان: Prison and Jail Deaths in Custody, 2000-2009، انتشار دسامبر ۲۰۱۱، صفحه ۲، این مدرك تیرماه ۹۳ بر آدرس ذیل موجود بود:

<http://www.bjs.gov/content/pub/pdf/pjdc0009st.pdf>

۹۷. مطالعات جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، صفحه ۹۷؛

۴. حرفه‌ای شدن

آشنا شدن با باندهای جنایت و آموزش حرفه‌ای جنایت، معتاد شدن و عضویت در این باندها و یارگیری برای جرم و جنایت از دیگر آسیب‌های جدی «زندانی» است؛ زندانی که امروزه به عنوان مجازات پایه، مورد توجه غرب قرار گرفته است و به شدت بر آن اصرار می‌ورزد.

شاید گفته شود به هر حال به زندان نیاز داریم و چاره‌ای جز قبول این مشکلات برای زندان نبوده و تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم، کاهش صدمات و لطمه‌های زندان است. سخن اینجاست که وجود برخی از احکام اسلامی (و نه الزاماً اجرای آنها) می‌تواند با بازدارندگی خود، تعداد زندانیان را کاهش دهد و در برخی موارد و در مورد جرایم سنگین، با اعدام یا بخشش اصلاحی مجرم، سطح زندگی انسانی و اخلاقی را سقوط ندهد؛ به ویژه آنکه اگر در چارچوب الهی و اسلامی به موضوع بنگریم، حق قصاص به نحوی است که در صورت عفو، جانی نوعاً به شکل فطری به مرزهای انسانی و الهی نزدیکتر می‌شود و با سلامت نسبی بیش‌تری به جامعه بر می‌گردد و حتی در صورت عدم عفو و اجرای قصاص، خود را مستحق قصاص می‌بیند و قبل از اینکه به فضای آلوده و تبعات غیرانسانی زندان در غلطد و فطرتش آسیب بیش‌تری ببیند، در بسیاری از موارد با توبه^{۹۸} و طهارت^{۹۹}

> تیرماه ۱۳۹۳ قابل دریافت از پایگاه رسمی این دفتر و از آدرس:

http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_GLOBAL_HOMICIDE_BOOK_web.pdf

۹۸. خصوصاً آن که رحمة للعالمین و حضرت رسول رب العالمین (ص) فرموده: «النَّدْمُ تَوْبَةٌ» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰، ح ۵۸۱) و در این موارد؛ پشیمانی فطری و وجدانی بسیار دیده شده است.

۹۹. چنان که حضرت حق (جل و علی) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره، آیه ۲۲۲) و حضرت باقر العلوم (ع) فرموده است: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ». (الکافی، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۱۰)

به جهان آخرت انتقال می‌یابد و یا حداقل با سقوط و خسارت کم‌تر انسانی، دنیای کوتاه و فانی را به سوی جهان ابدی و باقی ترک می‌کند. شاید واژه «حَیَوَةٌ» و عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در کلام زیبای حضرت حق که فرمود: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَیَوَةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» اشاره‌ای حکیمانه به این امر نیز باشد.

سه. خطرات زندان برای جامعه انسانی

زندان‌ها نوعاً موجب ازدیاد تنفر و نفرت بزهکاران از دیگران و جامعه می‌شود و حس انتقام را افزایش می‌دهد؛ خصوصاً که شخص جنایتکار، به دلیل طولانی بودن زندان و دیدن جنایتکاران دیگر در اطراف خود کم‌کم قبح و نازیبایی جنایت خود را فراموش می‌کند و پشیمانی و عذاب وجدان ابتدایی را از دست می‌دهد؛ سپس احساس می‌کند که ظالمانه مجازات می‌شود و به دلیل یک خطا، عمری را باید تاوان پس دهد و تحقیر شود. وی می‌بیند که تقریباً تمام یا بیش‌تر عمر خود را باید با محرومیت، نسبت به بسیاری از نیازهای ابتدایی انسانی و به مانند حیوان یا پست‌تر از آن، در قفس جنایتکاران بگذراند.

له شدن غرور زندانی در برابر قدرت تحقیرکننده زندان، حس کرامت انسان‌ها را نشانه می‌گیرد و این یعنی تولید و پرورش انبوه و سیستمی بغض، نفرت، ناامنی و جنایت در بین انسان‌ها و خطرآفرینی دائمی و افزایش لحظه به لحظه آن در جامعه انسانی؛ که آثار آن، گاه در همین زندان‌ها و گاه در خارج از زندان در مثل مدارس، خانواده‌ها و جنگ‌ها از نوع غربی آن به خوبی خود را نشان می‌دهد. روشن است کسانی که در این زندان‌ها پرورش یافته‌اند می‌توانند غیرانسانی‌ترین کارها را به راحتی و با لبخند و به شکل سازمانی؛ حتی نسبت به کودکان و زنان بی‌گناه در جامعه خود و جامعه جهانی مرتکب شوند.

چهار. آسیب‌های روحی خانواده مقتول

در مواردی که قتل با نقشه قبلی، بی‌رحمانه و وحشیانه صورت می‌گیرد،

خانواده مقتول، حس می کنند بدون «مجازات به مثل» برای قاتل، راه دیگری نمی تواند موجب عبرت دیگران و داغ دار نشدن خانواده های مشابه گردد و مجازاتی به غیر از مرگ با جرم چنین قاتلی، تناسب ندارد. عدم تشفی و آرامش خانواده و وابستگان مقتول به دلیل زنده بودن قاتل، بدون همراهی عفو از سوی آنان، تصور خوش بودن قاتل در زندان، ناراحتی از نقش نداشتن آنان در مجازات یا عفو قاتل و یا احساس برنده شدن قاتل به دلیل زنده بودن او و زنده نبودن عزیزشان، از دیگر تبعات آسیب زا و نازیبای زندان و نبودن حق قصاص است.

پنج. زندان و بازگشت تحقیرآمیز مرتکب به جامعه

جانی پس از آزاد شدن از زندان طولانی مدت، در جامعه همچنان به عنوان یک مجرم سابقه دار و با عنوان قاتل و جانی، شناخته می شود و دائماً ننگ زندانی بودن مجرمانه را با خود به دوش می کشد. امری که در بسیاری از موارد، مانع از پذیرش بزهکار از سوی جامعه و حتی خانواده او می شود؛ علاوه بر اینکه دور بودن از فضای جامعه و سپری کردن عمر در میان مجرمان برای مدت بسیار طولانی و از دست دادن بسیاری از پاکی ها و کرامت های انسانی در زندان و غالب شدن آلودگی ها و سقوط اخلاقی در زندان، در مجموع موجب می شود که پذیرش بزهکار برای جامعه سخت و گاه غیرممکن گردد. همه اینها می تواند رنج و بغض و نفرت و حس انتقام را در بزهکار ایجاد و یا آن را تقویت کند و او را به سوی غیرانسانی تر شدن و جنایت بیش تر سوق دهد و به دیگران نیز آسیب رساند.

شش. زندان و قتل های سازمان یافته

جهان هنوز هم از جرایم و قتل های سازمان یافته و یا مرتبط با گروه های تبهکاری رنج می برد. مسئله جنایات سازمان یافته و مرتبط با گروه های تبهکاری، یکی از دغدغه ها و مسائلی است که ارتباط قابل توجهی با وقوع قتل در برخی کشورها و به ویژه کشورهای قاره آمریکا دارد. بر اساس آمار تقریبی «مطالعات

جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^{۱۰۵} برای فاصله سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، حدود ۳۰ درصد از کل قتل‌های صورت گرفته در قاره آمریکا (آمار ۱۸ کشور)، به صورت سازمان یافته یا مرتبط با گروه‌های تبهکاری است. حدود ۱۹ درصد از قتل‌های ایتالیا، ۲۳ درصد از قتل‌های ژاپن، ۳۴ درصد از قتل‌های استرالیا از این نوع است. ۵۸ درصد از قتل‌های باهاماس^{۱۰۰}، ۴۷ درصد از قتل‌های پاناما و ... سازمان یافته یا مرتبط با گروه‌های تبهکاری می‌باشد.^{۱۰۱}

نکته اینجاست که وقتی قتل در ارتباط با گروه‌های تبهکاری صورت می‌گیرد، محاسبه هزینه و فایده به خوبی صورت می‌پذیرد؛ یعنی قاتل احتمال حمایت شدن خودش در داخل زندان و خانواده‌اش در بیرون از زندان را از سوی گروه مربوطه در نظر می‌گیرد. وی امیدوار است به علت وابسته بودن به آن گروه‌ها، راهی برای خلاصی بیابد. اما حق قصاص به شدت این محاسبه‌ها و تلقی‌ها را از میان بر می‌دارد؛ چراکه احتمال مرگ در برابر دیگر منافع، قابل مقایسه نبوده و شخص می‌داند که احتمال بخشیده شدنش توسط خانواده مقتول برای جنایات مرتبط با این گروه‌ها، بسیار پایین است؛ علاوه بر اینکه سازمان‌ها و گروه‌های جنایت‌کار و حرفه‌ای نوعاً محصول همین زندان‌هاست. با حق قصاص، تشکیل و ادامه چنین

۱۰۰. باهاما (The Bahamas) کشوری است انگلیسی زبان. این کشور با کشورهای ایالات متحده آمریکا، کوبا و هائیتی دارای مرز مشترک دریایی می‌باشد و شامل ۱۹ ایالت است. دین مردم آن عبارت است از باپتیست ۳۲ درصد، پروتستان ۴۰ درصد و کاتولیک ۱۹ درصد. باهاماس دارای حکومتی شبیه کانادا و استرالیا است. از نظر درآمد سرانه باهاما یکی از ثروتمندترین کشورهای قاره آمریکا است و در رتبه پس از ایالات متحده و کانادا قرار دارد. سواحل باهاما بیش از همه توریست‌های آمریکایی را جلب می‌کند.

۱۰۱. مطالعات جهانی قتل، دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، صفحه ۴۳؛ تیرماه ۱۳۹۳ قابل دریافت از پایگاه رسمی این دفتر و از آدرس:

سازمان و گروه‌هایی تقریباً از اساس ناممکن خواهد شد؛ زیرا با حق قصاص، اموری مانند، تکرار جنایت، از دست رفتن وجدان انسانی، حرفه‌ای شدن در جنایت، آموزش دیدن و سازماندهی شدن در زندان آن هم با خیال آسوده و با فراغت کامل از دغدغه‌های معیشتی، عملاً منتفی می‌گردد. از این رو به نظر می‌رسد توجه به حق قصاص می‌تواند بشریت را از این رنج دور سازد.

هفت. هزینه‌های سنگین زندان و بهره‌وری اندک

بالا بودن هزینه‌های زندان، اعم از هزینه‌های ساخت و نگهداری زندان، سیستم‌های حفاظتی، کارکنان زندان، تغذیه و دیگر هزینه‌های مادی زندان، رقم قابل توجهی می‌باشد. ۱۰۲ از سوی دیگر، آسیب‌های روحی و معنوی که متوجه کارکنان اداری و حفاظتی زندان می‌شود و گاه آنان را به انسان‌های خشن، بی‌روح و افسرده تبدیل می‌کند، از دیگر هزینه‌ها و تبعات نازیبای مجازات زندان است. در حالی که می‌توان این هزینه‌ها را در جهت ترمیم و جبران آسیب‌های مادی و معنوی ناشی از جنایت برای خانواده بزه‌دیده و بزه‌کار و در راستای فرهنگ‌سازی و پیشگیری از جرم و جنایت و خدمت به بشریت صرف کرد. با وجود همه این آسیب‌ها و هزینه‌های تحمیلی بر جامعه، مجازات زندان

۱۰۲. مؤسسه VERA مؤسسه‌ای تحقیقاتی است که در زمینه مؤثرتر کردن راهکارهای قضایی در آمریکا با دولت این کشور همکاری دارد و نتایج تحقیقات خود را به صورت محلی، ملی و جهانی عرضه می‌کند. برآورد این مؤسسه در سال ۲۰۱۲، آن است که سالیانه برای هر زندانی در کشور آمریکا حدود ۳۱ هزار دلار (۳۱۲۸۶) دلار هزینه صرف می‌شود. برای کشوری همچون آمریکا با بیش از یک میلیون و دویست هزار (۱۲۴۳۰۰۰) زندانی، این هزینه حدود ۳۹ میلیارد دلار در سال می‌باشد. همچنین مستند مربوطه در آدرس ذیل، موجود است:

http://www.vera.org/sites/default/files/resources/Price_of_Prisons_updated_version_072512.pdf

بازدارندگی قابل قبولی نیز ندارد (درباره میزان بازدارندگی و ابهامات آن، سخن گفتیم)؛ زیرا مرتکب قبل از انجام جنایت قتل، هزینه زندان رفتن را در برابر گرفتن جان قربانی خود، سنگین و حتی برابر نمی بیند؛ خصوصاً اگر تا به حال زندان نرفته و یا زندان طولانی مدت را تجربه نکرده باشد. همچنین توجه جانی به اموری مانند زنده ماندنش، به اتمام رسیدن مدت زندان، احتمال فرار شخصی یا باندی از زندان، احتمال تخفیف یا مورد عفو قرار گرفتن از سوی حکومت، احتمال پیگیری پرونده و تجدید نظر در مدتی که وی در زندان است (خصوصاً از راههای نامشروع و غیرقانونی) از دیگر اموری است که هزینه قتل و جنایت را در نظر جانی، کاهش می دهد و در نتیجه بازدارندگی زندان - علی رغم وجود هزینه های بسیار بالای مادی و معنوی آن - به شدت کاهش می یابد.

حق قصاص بر خلاف مجازات زندان، علاوه بر اینکه دارای تناسب کامل و عادلانه با جنایت است، از بالاترین بازدارندگی برخوردار می باشد. جانی قبل از جنایت می داند که هزینه جنایت سنگین او، مساوی با جنایت او و بسیار سنگین است و وی با ارتکاب قتل باید ریسک مرگ را با احتمال بسیار بالایی علیه خود بپذیرد؛ لذا چنین شخصی نوعاً جنایت و قتل را برای رسیدن به مقاصد خود انتخاب نمی کند و حتی در بسیاری از اوقات با توجه به حق قصاص، خشم خود را کنترل و مدیریت می کند و حتی در بسیاری از موارد به تصمیم بر ارتکاب جنایت نمی رسد و یا قبل از اقدام، منصرف می شود.

و چه زیبا فرمود حضرت حق (جَلَّ وَعَزَّ) به صاحبان عقول:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا اُولِي الالبابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ۱۰۳

و برای شما در حق قصاص، حیات و زندگی است ای صاحبان خرد و

اندیشه! شاید که پرهیزکار شوید.

نتیجه

در این مقاله سعی بر این بود تا از قصاص که شرع مقدس اسلام، آن را به عنوان یک حق برای شخص بزه دیده و اولیای مقتول قرار داده است، دفاع عقلی و عقلایی صورت گیرد. لذا ابتدا حکمت‌ها و زیبایی‌های حق قصاص بیان شد و سپس در دو بخش مجزا به مقایسه اعدام با قصاص و مقایسه زندان با قصاص پرداخته شد و آسیب‌های شدید و ناعادلانه و غیر انسانی زندان و اعدام در حقوق عرفی تبیین گردید.

با توجه به مباحث مطرح شده توجه به دو نکته، مهم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱. مقرر کردن زندان‌های طولانی مدت و قراردادن تعزیر سنگین برای جانی عفو شده، حقیقت بی‌بدیل «حق قصاص» و حکمت‌های الهی این حق را منهدم می‌کند؛ زیرا این کار برای مرتکبی که از سوی صاحب حق قصاص، عفو شده است حقیقت حیات بخش «حق قصاص» را به یکی از دو مجازات غیراسلامی سراسر خشونت و بدون بازگشت و انعطاف و خالی از رحمت زندان و اعدام تبدیل و برای همیشه جامعه را از برکات حق بزرگ الهی و انسانی قصاص، محروم خواهد کرد. علاوه بر اینکه همانگونه که با آمار و ارقام اشاره شد، بهره‌وری زندان برای پیشگیری از جرم و جنایت، بسیار کم و آسیب‌های آن بسیار زیاد و دهشتناک است.

با وضع قوانینی که دربردارنده مجازات زندان طولانی مدت یا ابد برای عفوشدگان می‌باشد، مرتکب بعد از خلاص شدن از یکی از احکام عرفی و بشری (اعدام قطعی) به حکم عرفی و بشری دیگری (زندان طولانی یا ابد) که مفاسد و آسیب‌های آن، کمتر از حکم قبلی نیست محکوم می‌شود و عملاً همه کارکردهای حکم الهی قصاص از بین می‌رود؛ نتیجه آنکه در اینجا نیز مانند سایر کشورهای

غربی و غیر غربی که نظام حقوقی آنان از قانون مترقی و بی بدیل «حق قصاص» محروم است، جانی به مجازات زندان طولانی مدت و ابد با همه مفاسد آن گرفتار می آید و یا مانند مرتکب در برخی دیگر از این کشورها به مجازات اعدام بدون امکان عفو و مصالحه محکوم می شود. بنابراین باید در وضع قوانین تعزیری در این زمینه دقت کافی از سوی رئیس قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، شورای محترم نگهبان و همه افراد مسئول مبذول شود تا از قانون گذاری بی حساب و بدون مبنا در وضع حبس های سنگین به عنوان تعزیر در این موارد مانع گردند.

این مطلب در لایحه قانون مجازات اسلامی که زیر نظر دقیق یکی از مراجع عظام، تنظیم و به مجلس ارائه شده بود مورد توجه قرار گرفته بود و حبس های تعزیری در این بخش، بسیار طولانی و سنگین نبود. برای مثال در ماده ۲-۳۱۳ این لایحه آمده بود: «هرکس مرتکب جنایت عمدی نسبت به شخص محقون الدمی بشود و به هر علتی قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه یا ارش، به تناسب جرم و مجرم در مورد قتل به حبس از ۳ تا ۵ سال و شلاق ۷۴ ضربه و در جنایت بر اعضا و منافع و جروح از موضعه به بالا به حبس از ۱ تا ۲ سال و در سایر جنایات، شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می گردد».

لازم به ذکر است در لایحه مذکور، سنگین ترین حبس تعزیری برای قتل عمد ۳ تا ۵ سال بود، در حالی که مشابه این جرم در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ دارای ۳ تا ۱۰ سال حبس است. این امر نشان می دهد که نظر تخصصی این مجتهد و فقیه برجسته و مرجع تقلید هوشمند که یک دهه را در فضای جزا و در بالاترین مسئولیت قضایی گذرانده، کاستن از مدت زمان حبس های تعزیری در این بخش است نه افزایش غیر منطقی و بدون دلیل آن.

البته مناسب است در تعیین مجازات تعزیری، مواردی که عفو مجنی علیه یا ولی دم را داراست از مواردی که عدم امکان قصاص به دلیل دیگری مانند فقدان

شرایط قصاص است تفکیک شود و مجازات در موارد عفو، بسیار بسیار سبکتر قرار داده شود.

اگرچه پیش نویس «لایحه تعزیرات» که اداره تدوین لوایح قوه قضائیه سال‌ها قبل، تهیه آن را برعهده گرفته و در مراحل پایانی تدوین آن است دارای این اشکال می‌باشد که مجازات‌های حبس تعزیری در آن بسیار سنگین شده، لکن تقلیل و تفکیک مجازات حبس نسبت به عفو شدگان، مورد توجه تهیه کنندگان این پیش نویس بوده است و لذا در ماده ۲۵۵ آن (که از مواد پایانی بخش جرایم علیه تمامیت بدنی اشخاص می‌باشد) به شکل هوشمندانه‌ای آمده است: «در تمام موارد مندرج در این بخش اگر حسب مورد، مجنی علیه یا همه اولیای دم، گذشت کنند حداقل و حداکثر مجازات‌های پیش بینی شده، یک سوم مقادیر مزبور در مواد مربوط می‌باشد».

نویسندگان این پیش نویس از طریق این ماده توانسته‌اند کارکردهای عفو در حق قصاص را تا حدود قابل توجهی حفظ کنند. البته با توجه به مقادیر سنگین مجازات‌های حبس در این لایحه پیشنهاد می‌شود در این ماده، تقلیل به یک سوم به تقلیل تا یک پنجم اصلاح شود. همچنین برای جلوگیری از سوء استفاده از این ماده، تبصره‌ای به شرح ذیل به آن اضافه شود:

تبصره: گذشت ولی یا اولیای دمی که در امر جنایت، به شکل تبانی، معاونت یا مشارکت، دخالت داشته‌اند موجب کاهش در مجازات‌های مذکور نخواهد بود و از شمول این ماده خارج است.

۲. شرع مقدس اسلام برای جلوگیری از پایمال شدن خون افراد، دستور داده تا زمانی که شبهه‌ای در تعلق حدود یا قصاص به افراد وجود دارد، از حکم و اجرای آن خودداری شود که در فقه اسلامی از آن به قاعده «درء» تعبیر شده و به درستی در ماده

۱۲۰ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^{۱۰۴} جای گرفته است و یکی از امتیازات این قانون محسوب می شود. ولی وجود چنین قاعده و قانونی نباید موجب شود تا «حق قصاص» تعطیل یا به مثل تعطیل شود و در مقام عمل، حق قصاص به کلی کنار گذاشته شده و به دیه و تعزیر تبدیل گردد. بنابراین همانطور که نباید بدون توجه به قاعده «درء»، به قصاص افراد حکم کرد، باید دقت داشت که به کارگیری جاهلانه، غیرمشروع، وسواس گونه و بیش از حد و نابه جای این قاعده نیز موجب تعطیلی حق قصاص نشود؛^{۱۰۵} چراکه گرایش به هر طرف آثار زیان باری را به دنبال خواهد داشت که مسئولیت آن بسیار بزرگ و غیر قابل جبران است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی (م. قرن ۶ هـ. ق)، نشر مرتضی، چاپ اول، مشهد-ایران، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، طیب، سید عبدالحسین (م. قرن پانزدهم)، انتشارات اسلام، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸ هـ. ش.

۱۰۴. ماده ۱۲۰- هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد، جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود.

۱۰۵. همانطور که متأسفانه در باب قصاص عضو چنین رویکرد و رویه ای پدید آمده است و دادگاه های ما عملاً این حکم حیات بخش را در جنایت بر عضو به تعطیلی کشانده اند. نتیجه آن شده که قانون حق قصاص در بخش قصاص عضو بازدارندگی و حیات بخشی خود را در ابعاد گوناگونی که ذکر آن در مقاله گذشت از دست داده و آمار جنایت در عضو بالا گرفته و هزینه های سنگین مادی و معنوی را به افراد و جامعه تحمیل کرده و می کند.

۵. الامالي، طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (م. ۴۶۰ هـ.ق)، نشر دارالثقافة، چاپ اول، قم-ایران، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۶. بررسی کیفر و احکام قصاص و تطور آن در اعصار و نزد ملل مختلف، حسن حسنی، مجله حقوق مردم، شماره ۲۹ و ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۵۱ هـ.ش.
۷. تاریخ تمدن، ویل دورانت، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۸. ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم-ایران، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۹. تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ملا محسن، (قرن یازدهم)، انتشارات الصدر، تهران-ایران، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۰. الدر المنضود في احکام الحدود، گلپایگانی، سید محمد رضا، نشر دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۱. الدية بين العقوبة و التعمیض، عوض احمد ادريس، دار و المكتبة الهلال، چاپ اول، بیروت-لبنان، ۱۹۸۶ م.
۱۲. شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۳. عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، سلیمانی، حسین، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول قم-ایران، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۱۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۱۵. الکافی، کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (م. ۳۲۹ هـ.ق)، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران-ایران، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۶. کتاب مقدس.
۱۷. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل،

- زمخشری، محمود، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۸. الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، (قرن پنجم)، دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۱۹. گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، نسخه ۲، مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه سابق)، قم، ۱۳۹۰ هـ. ش.
۲۰. مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (قرن ششم)، دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان، چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ. ق.
۲۱. مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، دارالعلم للملایین، چاپ دوم، بیروت- لبنان، ۱۹۷۶ م.
۲۳. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (م. ۳۸۱ هـ. ق)، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم- ایران، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۴. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (م. ۱۱۰۴ هـ. ق)، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم- ایران، ۱۴۰۹ هـ. ق.
25. http://en.wikipedia.org/wiki/Amnesty_International
26. <http://nicic.gov>
27. http://ojp.gov/programs/pdfs/prea_ria.pdf
28. <http://www.amnesty.org/en/library/info/ACT50/010/2007>
29. <http://www.asriran.com>

30. <http://www.bjs.gov>
31. <http://www.bjs.gov/content/pub/pdf/mljsp0011.pdf>
32. <http://www.bjs.gov/content/pub/pdf/pjdc0009st.pdf>
33. <http://www.bjs.gov/index.cfm?ty=4882>
34. <http://www.justdetention.org/pdf/struckman.pdf>
35. <http://www.prearesourcecenter.org>
36. <http://www.statcan.gc.ca/daily-quotidien/131219/dq131219b-eng.htm>
37. http://www.unodc.org/documents/gsh/pdfs/2014_GLOBAL_HOMICIDE_BOOK_web.pdf
38. http://www.vera.org/sites/default/files/resources/downloads/Price_of_Prisons_updated_version_072512.pdf
39. www.amnesty.org
40. www.justice.gov
41. www.statcan.gc.ca